

تفسیر سورہ

آل عمران

آیات ۱۵۴ - ۲۰۰

﴿۱۵۴﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنكُمْ
وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ
الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ
يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ
شَيْءٌ مَّا قَتَلْنَا هَهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ
عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ
لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

سپس (خداوند) به دنبال آن غم، آرامشی (به گونه‌ی) خوابی سبک بر شما فرودستاد
که گروهی از شما را فراگرفت (و با آن، خستگی و اضطراب از تن شما بیرون رفت. این
آرامش برای کسانی بود که از فرار خود در احد ناراحت و تائب بودند). ولی گروه دیگر
که همتشان (حفظ) جان خودشان بود و به (وعده‌های) خدا همچون دوران جاهلیت
گمان ناحق داشتند، (به طعنه) می‌گفتند: آیا چیزی از امر (نصرت الهی) با ماست؟ بگو:
براستی که امر (پیروزی) همه‌اش بدست خداست. آنها در دل‌های خود چیزی را مخفی
می‌کنند که برای تو آشکار نمی‌کنند، می‌گویند: اگر در تصمیم‌گیری (برای شیوه جنگ)،
حقی برای ما بود، ما در اینجا کشته نمی‌شدیم. (به آنان) بگو: اگر در خانه‌هایتان نیز
بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، به سوی قتلگاه خود روانه
می‌شدند و (حادثه احد) برای آن است که آنچه را در سینه‌های شماست، خدا بیازماید و
آنچه را در دل دارید، پاک و خالص گرداند و خداوند به آنچه در سینه‌هاست داناست.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند به خاطر تخلفات و اختلافات در جنگ احد، شما را تنبیه کرد، ولی
رها نکرد. ﴿ثم انزل عليكم... امانة﴾
- ۲- خداوند در اوج حوادث تلخ، به دل‌های مؤمنان آرامش می‌بخشد. ﴿بعدالغم امانة﴾

- ۳- خواب، مایه‌ی آرامش و هدیه‌ای الهی است. ﴿انزل علیکم... نعاسا﴾
- ۴- روحيات، اعتقادات، باورها و تحلیل‌های همه‌ی رزمندگان یکسان نیست.
﴿طائفة... و طائفة...﴾
- ۵- در بند خود بودن، مایه‌ی بدگمانی به وعده‌های الهی است. ﴿اهتمهم انفسهم
يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلية﴾
- ۶- حتی در شرایط بحرانی و شکست‌ها نیز به خدا و وعده‌های او سوءظن نبرید.
﴿وطائفة... يظنون بالله غير الحق﴾
- ۷- سوءظن به وعده‌های خدا، از عقاید جاهلیت است و حقیقت ندارد. ﴿يظنون
بالله غير الحق ظن الجاهلية﴾
- ۸- خودمحوری و رفاه‌طلبی، انسان را از مدار رضای خداوند خارج می‌کند. ﴿قد
اهتمهم انفسهم يظنون بالله غير الحق﴾
- ۹- پندار اینکه مسلمانان حتی در صورت سستی و اختلاف و نافرمانی نباید
شکست بخورند، پنداری جاهلانه است. ﴿ظن الجاهلية﴾
- ۱۰- افراد ضعیف‌الایمان، شکست خود را به عدم نصرت الهی نسبت می‌دهند.
﴿يقولون لو كان لنا من الامر شي ما قتلنا ههنا﴾
- ۱۱- طرح سؤالاتی که موجب تضعیف روحیه‌ی رزمندگان می‌شود، ممنوع است.
﴿هل لنا من الامر من شيء﴾
- ۱۲- در برابر ایجاد وسوسه‌ها و تردیدها، قاطعیت لازم است. ﴿قل ان الامر كله لله﴾
- ۱۳- مسلمانان رفاه‌طلب و خودمحور، دائماً در درون نگرانند. ﴿يخفون في انفسهم
ما لا يبديون لك﴾
- ۱۴- آنهایی که به خود فکر می‌کنند، توقع قبول نظراتشان را در تصمیم‌گیری‌ها
دارند. ﴿اهتمهم انفسهم... يقولون لو كان لنا من الامر...﴾
- ۱۵- از مقدرات حتمی، امکان فرار نیست. ﴿لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين...﴾
- ۱۶- اعتقاد به مقدرات حتمی پروردگار، به انسان آرامش می‌دهد. ﴿لبرز الذين كتب

عليهم القتلى الى مضاجعهم»

۱۷- حوادث تلخ و شکست در جبهه‌ها، یکی از راههای شناسایی روحیه‌ها و درجات ایمان در افراد است. «لبيتلی اللہ ما فی صدورکم»

۱۸- حوادث تلخ و شیرین، صحنه‌ای برای تجلی روح و فکر شماسست، وگرنه خداوند همه‌ی روحیه‌ها و افکار را از قبل می‌داند. «و اللہ علیم بذات الصدور»

﴿۱۵۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

همانا کسانی از شما که روز برخورد دو سپاه (در احد، از جنگ) روی برگرداندند (و فرار کردند) جز این نبود که شیطان به خاطر بعضی از کردار (ناپسند)شان آنها را لغزانیید و البته خداوند از آنها گذشت، برآستی که خداوند آمرزنده‌ی بردبار است.

نکته‌ها:

- آیه در مورد فرار بعضی از مسلمانان در جنگ احد است. چنانکه در تفاسیر آمده است؛ در جنگ احد جز سیزده نفر که پنج نفر آنان از مهاجرین و هشت نفر از انصار بودند، همه فرار کردند. در مورد نام این سیزده نفر، جز علی علیه السلام اختلاف است که چه کسانی بودند.
- در جنگ احد مسلمانان چهار گروه شدند: ۱- شهدا ۲- صابران ۳- فراریان که مورد عفو قرار گرفتند ۴- منافقان.

پیام‌ها:

- ۱- یکی از علل فرار از جنگ، گناه است. «تولوا... ببعض ما کسبوا»
- ۲- گناه، میدان را برای وسوسه‌های شیطان باز می‌کند. «استزلهم... ببعض ما کسبوا»
- ۳- خطاکار را نباید برای همیشه طرد کرد و در کیفر او شتاب کرد. «عفا اللہ عنهم»

۴- خداوند گنهکاران را می‌بخشد، پس شما آنان را ملامت نکنید. ﴿عَفَاَ لِلَّهِ عَنْهُمْ﴾

﴿۱۵۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ
إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا
قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذُلَّكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ
اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

ای کسانی که ایمان آوردید! مانند کسانی که کفر ورزیدند نباشید که درباره‌ی
برادران خود، که به سفر رفته یا رزمنده بودند، گفتند: اگر نزد ما بودند
نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. (بلکه با دلگرمی به جبهه بروید) تا خداوند آن
(شجاعت و شهادت‌طلبی شما) را در دل‌های کفار (و منافقان) مایه‌ی حسرت
(رسیدن به هدفشان) قرار دهد و خداوند (است که) زنده می‌کند و می‌میراند و
خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

پیام‌ها:

- ۱- دشمن پس از پایان جنگ، دست به شایعات دلسرد کننده می‌زند. ﴿لَوْ كَانُوا
عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا﴾ اگر رزمندگان نزد ما می‌ماندند کشته نمی‌شدند.
- ۲- دشمن در لباس دلسوزی و حسرت، سمپاشی می‌کند. ﴿لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا﴾
- ۳- کسی که زندگی مادی هدف او است، مر و شهادت را خسارت می‌داند. ﴿لَوْ
كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا﴾
- ۴- منافق کافر است، چون گویندگان این سخنان منافقان بودند، ولی قرآن از آنها
به ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ یاد می‌کند.
- ۵- مر و حیات، از مقدرات الهی است، نه آنکه مربوط به جنگ و سفر باشد.
﴿وَاللَّهُ يَحْيِي وَيُمِيتُ﴾
- ۶- ایمان به مقدرات الهی، هراس انسان را برطرف می‌کند. مبادا به امید زنده

ماندن، از زیر بار جهاد شانه خالی کنید. چه بسیار افرادی که در جنگ‌ها بوده‌اند، ولی زنده مانده‌اند و بر عکس کسانی که به جبهه نرفته و جوان مر شده‌اند. «والله یحیی و مییت»
 ۷- خداوند بصیر و آگاه است، مواظب حالات و افکار و اعمال خود باشید. «والله بما تعملون بصیر»

﴿۱۵۷﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

و اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید (زیان نکرده‌اید، زیرا) آمرزش و رحمت خداوند از آنچه (آنان در طول عمر خود) جمع می‌کنند، بهتر است.

نکته‌ها:

- خداوند با بیان دو نکته، به شایعات دلسردکننده‌ی منافقان که در آیه‌ی قبل مطرح شد پاسخ می‌دهد:
- الف: مرگ و حیات بدست اوست. جبهه نرفتن، طول عمر را کم نمی‌کند.
- ب: کسی که در راه خدا گام بردارد، بمیرد یا شهید شود، برنده است. زیرا او عمر داده، ولی مغفرت و رحمت گرفته است، پس چیزی را نباخته است.
- کسانی که در راه سفر به جبهه، یا در راه تحصیل علم، یا سفر برای حج و زیارت، تبلیغ و ارشاد و سایر اهداف مقدس از دنیا بروند، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند بود.

پیام‌ها:

- ۱- در جهان بینی الهی، مرگ و شهادت در راه خدا، از همه‌ی دنیا و جمع کردن‌های آن بهتر است. «ولئن قتلتم فی سبیل الله او متّم...»
- ۲- مهم در راه خدا بودن است، خواه به شهادت بیانجامد یا مرگ. «قتلتم فی سبیل

اللَّهُ او مَتَّ...﴿

۳- اول باید بخشیده شد، سپس رحمت الهی را دریافت نمود. کلمه‌ی «لمغفرة» قبل از کلمه «رحمة» آمده است.

۴- مغفرت و رحمت نتیجه‌ای ابدی دارد، ولی مال و ثروت آثارش موقت است.
﴿لمغفرة من الله ورحمة خير مما يجمعون﴾

﴿۱۵۸﴾ وَلَئِن مُّتُّم أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تَحْشَرُونَ

و اگر بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به سوی خداوند برانگیخته می‌شوید.

نکته‌ها:

□ در این آیه عبارت «فی سبیل الله» نیامده است، تا بگویند: محشور شدن همه‌ی کسانی که بمیرند یا کشته شوند در هر راهی که باشند، به سوی خداست. اکنون که مرگ برای همه حتمی است و حشر همه در محضر خداوند نیز حتمی است، پس چرا بهترین نوع رفتن را با رضایت پذیرا نباشیم؟ اگر مرگ و شهادت، هر دو بازگشت به سوی خداست، پس دیگر نگرانی از شهادت چرا؟
امام حسین علیه السلام می‌فرمایند:

فان تكن الابدان للموت انشئت فقتل امرء في الله بالسيف افضل

اگر بدن‌ها برای مرگ آماده شده‌اند، پس شهادتِ مرد در راه خدا با شمشیر بهترین مرگ است. (۱)

﴿۱۵۹﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتُّوا

لَإِنْفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي

الْأَمْرِ فَإِنَّا عَزَمْنَا عَلَى اللَّهِ إِنْ أَلَّ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

۱. بحار، ج ۴۴، ص ۳۷۴.

(ای رسول ما!) پس به خاطر رحمتی از جانب خدا (که شامل حال تو شده)، با مردم مهربان گشته‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی، (مردم) از دور تو پراکنده می‌شدند. پس از (تقصیر) آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و در امور با آنان مشورت نما. پس هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خداوند توکل کن. براستی که خداوند توکل کنندگان رادوست می‌دارد.

نکته‌ها:

□ گرچه محتوای آیه دستورات کلی است، لکن نزول آیه درباره‌ی جنگ احد است. زیرا مسلمانانی که در جنگ احد فرار کرده و شکست خورده بودند، در آتش افسوس و ندامت و پشیمانی می‌سوختند. آنان اطراف پیامبر را گرفته و عذرخواهی می‌نمودند، خداوند نیز با این آیه دستور عفو عمومی آنان را صادر نمود.

□ کلمه‌ی «شور» در اصل به معنی مکیدن زنبور، از شیرهی گل هاست. در مشورت کردن نیز انسان بهترین نظریه‌ها را جذب می‌کند. مولوی می‌گوید:

کاین خردها چون مصابیح، انور است بیست مصباح، از یکی روشنتر است.

پیام‌ها:

- ۱- نرمش با مردم، یک هدیه‌ی الهی است. ﴿فبا رحمة من الله انت لهم﴾
- ۲- افراد خشن و سختگیر نمی‌توانند مردم‌داری کنند. ﴿لانفضوا من حولك﴾
- ۳- نظام حکومتی اسلام، بر مبنای محبت و اتصال به مردم است. ﴿حولك﴾
- ۴- رهبری و مدیریت صحیح، با عفو و عطوفت همراه است. ﴿فاعف عنهم﴾
- ۵- خطاکارانِ پشیمان و گنهکارانِ شرمنده را بپذیرید و جذب کنید. ﴿فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم﴾
- ۶- ارزش مشورت را با ناکامی‌های موسمی نادیده نگیرید. ^(۱) ﴿وشاورهم﴾

۱. هر چند نتیجه‌ی مشورت در جنگ احد، مبنی بر مبارزه در بیرون شهر، به شکست انجامید، ولی این قبیل موارد نباید ما را از اصل مشورت و فواید آن باز دارد.

۷- در مشورت پیامبر، تفقد از نیروها، شکوفایی استعدادها، شناسایی دوستان از دشمنان، گزینش بهترین رأی، ایجاد محبت و علاقه و درس عملی برای دیگران نهفته است. ﴿وشاورهم﴾

۸- ظلمی را که به تو کردند، عفو کن؛ ﴿فاعف عنهم﴾ برای گناهی که نسبت به خدا مرتکب شدند، طلب آمرزش کن؛ ﴿واستغفرهم﴾ در مسائل سیاسی اجتماعی، آنان را طرف مشورت خود قرار ده. ﴿وشاورهم﴾

۹- استغفار پیامبر درباره‌ی امتش، به دستور خداست. پس مورد قبول نیز هست. ﴿واستغفر لهم﴾

۱۰- مشورت، منافاتی با حاکمیت واحد و قاطعیت ندارد. ﴿وشاورهم... و اذا عزم﴾

۱۱- در کنار فکر و مشورت، توکل بر خدا فراموش نشود. ﴿فتوکل﴾

۱۲- ابتدا مشورت و سپس توکل، راه چاره‌ی کارهاست، خواه به نتیجه برسیم یا نرسیم. ﴿شاورهم... فتوکل... ان الله يحب المتوكلين﴾

﴿۱۶۰﴾ ان ینصركم الله فلا غالب لكم وان یخذلكم فمن ذا الّذی

ینصركم من بعده وعلى الله فلیتوکل المؤمنون

اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر شما را

خوار کند، پس چه کسی است که بعد از آن بتواند شما را یاری کند؟ (بنابراین)

مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند.

نکته‌ها:

□ در آیه قبل سفارش به توکل شد و در این آیه، دلیل توکل بر خدا را چنین مطرح می‌کند که عزّت و ذلّت تنها به دست اوست.

□ در حدیث آمده است که رسول خدا ﷺ از جبرئیل پرسید: توکل بر خدا چیست؟ گفت: اینکه بدانی مخلوق، سود و زیانی به تو نمی‌رساند و از غیر خدا

کاملاً مأیوس شوی. اگر انسان به این درجه رسید، جز برای خدا کار نمی‌کند و از غیر خدا نمی‌هراسد و جز به خدا امید ندارد و این حقیقت توکل است.^(۱)

□ امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه میان انسان و گناه، مانعی حائل نشد و انسان گرفتار معصیت گردید، این خذلان الهی است.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- پیروزی‌های طبیعی تحت الشعاع عوامل دیگر واقع می‌شوند، اما نصرت و امداد الهی تحت الشعاع قرار نمی‌گیرد. «ان نصرکم الله فلا غالب لکم»
- ۲- پیروزی و شکست هر دو با اراده‌ی خداوند است. «ینصرکم... یخذلکم»
- ۳- ایمان، از توکل بر خدا جدا نیست. «فلیتوکل المتوکلون»

﴿۱۶۱﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و هیچ پیامبری را نسزد که خیانت کند و هر کس خیانت کند، آنچه را که (در آن) خیانت نموده روز قیامت به همراه آورد، سپس به هر کس پاداش کامل آنچه کسب کرده، داده شود و آنها ستم نبینند.

نکته‌ها:

- شاید این آیه، پاسخی به آنان باشد که به خاطر جمع‌غنائیم، منطقه حفاظتی احد را رها کردند. آنها به گمان اینکه از سهم غنیمت محروم نشوند، هشدارهای فرمانده خود را که می‌گفت: سهم شما محفوظ است و از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله دور نخواهد بود، نادیده گرفتند. این آیه می‌فرماید: پیامبر در سهم شما از غنیمت خیانت نخواهد کرد، پس مطمئن باشید و به وظیفه‌ی خود عمل کنید.
- امام باقر علیه السلام فرمودند: جنس به سرقت رفته، در دوزخ در برابر چشم خائن

۱. بحار، ج ۷۱، ص ۱۳۸. ۲. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۳.

مجسم، و به او گفته می شود به آتش داخل شو و آن را خارج کن.^(۱)

□ غش، تقلب، غصب و خیانت از موارد «غِلِّ» است. شخصی که مسئول جمع آوری زکات بود، خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت: این مقدار از اموالی که جمع کرده ام زکات است و مربوط به شماست و این مقدار نیز هدایای مردم به خود من است. حضرت بالای منبر رفت و فرمود: آیا اگر این شخص در خانه اش می نشست کسی به او هدیه می داد؟! به خدا سوگند او با همین اموال حرام در قیامت محشور خواهد شد.^(۲)

□ آنجا که به انبیا بدبین می شوند، شما چه انتظاری نسبت به خودتان دارید؟! از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: رضایت مردم به دست نمی آید و زبانشان قابل کنترل نیست.^(۳)

پیام‌ها:

- ۱- نه تنها پیامبر اسلام، بلکه همه‌ی انبیای الهی امین هستند. «و ما کان لنبی...» نبوت با خیانت سازگار نیست. کسی که می خواهد امین تربیت کند باید خود اهل خیانت نباشد. گرچه در بین رهبران غیر الهی، اهل خیانت کم نیست.
- ۲- هیچ کس حتی انبیا، از سوءظن مردم به دور نیست. «ماکان لنبی ان یغل» (ضعف ایمان از یکسو و حب دنیا از سوی دیگر، انسان را وادار می کند به انبیا سوءظن ببرد).
- ۳- از حریم انسان‌های پاک و اولیای خدا دفاع کنید. «و ماکان لنبی ان یغل...»
- ۴- آوردن مال حرام در قیامت، نوعی مجازات است. و چه سخت است که در قیامت، در برابر انبیا، شهدا و همه‌ی مردم، انسان را همراه با مالی که خیانت کرده بیاورند. «یأت بما غل»
- ۵ - یاد قیامت، بازدارنده از خیانت است. «یأت بما غل»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر فرقان.

۳. تفسیر نورالثقلین.

- ۶- خیانت، خیانت است و مقدار آن مهم نیست. کلمه «ما» در جمله‌ی «یأت بما غلّ» شامل کم و زیاد هر دو می‌شود.
- ۷- قیامت صحنه‌ای است که نیکان، حسنات خود را می‌آورند، «جاء بالحسنة»^(۱) و خائنین خیانت‌های خود را به همراه دارند. «یأت بما غلّ»
- ۸- خداوند عادل است. هم جزا را کامل می‌دهد و هم ذره‌ای افراط نمی‌کند. «وهم لا یظلمون»

﴿۱۶۲﴾ أَفَمَنْ أَتَّبَعَ رِضْوَانُ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوِيَهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

آیا کسی که در پی خشنودی خداوند است، مانند کسی است که به خشم و غضب خدا دچار گشته و جایگاه او جهنّم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است.

﴿۱۶۳﴾ هُمْ دَرَجَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ

آنان نزد خداوند (دارای) درجاتی هستند و خداوند به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.

نکته‌ها:

- در شأن نزول این آیه آمده است که وقتی رسول خدا ﷺ دستور حرکت به سوی أحد را صادر کردند، منافقان به بهانه‌های مختلف در مدینه ماندند و گروهی از مسلمانان ضعیف‌الایمان نیز از آنها پیروی کرده و در جبهه حاضر نشدند.
- در آیه‌ی ۱۵۵ خواندیم که خداوند کسانی را که از جبهه فرار کرده و پشیمان شدند می‌بخشد، امّا این آیه می‌فرماید: مرفّهان و منافقان بهانه‌گیر را نمی‌بخشد.
- در آیاتی از قرآن این تعبیر آمده است که برای مؤمنان درجاتی است: «لهم درجات عند ربهم»^(۲)، «لهم الدرّجات العلی»^(۳) امّا در این آیه می‌فرماید: خود مؤمنان

۱. انعام، ۱۶۰.

۲. انفال، ۴.

۳. طه، ۷۵.

درجات می شوند. همان گونه که انسان های پاک همچون علی بن ابیطالب علیه السلام ابتدا طبق میزان حرکت می کنند و سپس خود آنان میزان می شوند، ابتدا دور محور می گردند، سپس خود آنان محور حق می شوند.

پیام ها:

- ۱- هدف مجاهدان واقعی، بدست آوردن رضای خداست، نه پیروزی و غنائم و خودنمایی. ﴿افمن اتبع رضوان الله...﴾
- ۲- در جامعه اسلامی، نباید مجاهدان و مرفهان یکسان دیده شوند. (با توجه به شأن نزول) ﴿افمن اتبع رضوان الله... کمن باء...﴾
- ۳- روی گردانی از جبهه و جنگ، بازگشت به غضب خداست. ﴿کمن باء بسخط﴾
- ۴- خشنودی یا خشم الهی باید تنها ملاک عمل یک مسلمان باشد. ﴿رضوان الله... بسخط من الله﴾

﴿۱۶۴﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ
كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

همانا خداوند بر مؤمنان منت گذاشت که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنها تلاوت کند و ایشان را پاک کرده و رشد دهد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند که پیش از آن، قطعاً آنها در گمراهی آشکار بودند.

نکته ها:

□ «مَنْ»، به معنای سنگی است که برای وزن کردن اشیا بکار می رود. و اعطای هر نعمت سنگین و گرانبهایی را منت گویند. امّا سنگین و بزرگ جلوه دادن نعمت های کوچک، ناپسند است. بنابراین بخشیدن نعمت بزرگ، نیکو ولی بزرگ

جلوه دادن نعمت‌های کوچک، ناپسند است.^(۱)

□ بعثت انبیا از میان مردم دارای برکاتی است:

الف: مردم سابقه او را می‌شناسند و به او اعتماد می‌کنند.

ب: الگوی مردم در اجرای دستورات و فرامین الهی هستند.

ج: درد آشنا و شریک در غم و شادی مردمند.

د: در دسترس مردم هستند.

□ همچنان که از فرمایشات حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه استفاده می‌شود، در

دوره جاهلیت مردم نه فرهنگ سالم داشتند و نه از بهداشت بهره‌مند بودند.

برادر ایشان، جعفر طیار نیز در هجرت به حبشه، در برابر نجاشی اوضاع دوره

جاهلی را چنین ترسیم می‌کند: «كُنَّا اهل الجاهلیة نعبد الاصنام و نأكل الميتة و نأتی

الفواحش و نقطع الارحام و نُسئ الجوار، يأكل القوی منا الضعیف حتی بعث الله رسولا...» ما

بت پرستانی بودیم که در آن روزها مردارخوار و اهل فحشا و فساد بودیم، با

بستگان قطع رابطه و با همسایگان بد رفتاری می‌کردیم، قدرتمندان ما حقوق

ناتوانان را پایمال می‌کردند تا اینکه خداوند پیامبرش را مبعوث کرد...^(۲)

پیام‌ها:

۱- بعثت انبیا، بزرگترین هدیه‌ی آسمانی و نعمت الهی است. ﴿لقد من الله﴾

۲- گرچه بعثت برای همه‌ی مردم است، ولی تنها مؤمنان شکرگزار این نعمت

هستند و از نور هدایت بهره می‌گیرند. ﴿لقد من الله علی المؤمنین﴾

۳- انبیا، مردمی بودند. ﴿من انفسهم﴾

۴- تلاوت آیات قرآن، وسیله‌ی تزکیه و تعلیم است. ﴿یتلوا... یزکیهم و یعلمهم﴾

۵- تزکیه بر تعلیم مقدم است. ﴿یزکیهم و یعلمهم﴾

۶- تزکیه و تعلیم در رأس برنامه‌های انبیاست. ﴿یزکیهم و یعلمهم﴾

۱. تفسیر نمونه.

۲. کامل التاریخ، ج ۲، ص ۸۰.

- ۷- رشد و خودسازی باید در سایه‌ی مکتب انبیا و آیات الهی باشد. (ریاضت‌ها و رهبانیت‌هایی که سرچشمه‌اش آیات الهی و معلمش انبیا نباشند، خود یک انحراف است). ﴿یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم﴾
- ۸- برای شناخت بهتر نعمت بعثت انبیا، به تاریخ مردمان قبل از آنان باید مراجعه کرد. ﴿ان کانوا من قبل لئی ضلال مبین﴾
- ۹- در محیط‌های گناه‌آلود و گمراه نیز می‌توان کار کرد. ﴿یزکیهم و یعلمهم... وان کانوا من قبل لئی ضلال مبین﴾
- ۱۰- در مکتب انبیا، پرورش روحی و آموزش فکری، در کنار بینش و بصیرت مطرح است. ﴿یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة﴾

﴿۱۶۵﴾ **أُولَٰمَّا أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَنٰی هٰذَا**

قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیا چون مصیبتی (در جنگ احد) به شما رسید که دو برابرش را (در جنگ بدر) به آنها (دشمن) وارد ساخته بودید، گفتند: این مصیبت از کجاست؟ (و چرا به ما رسید؟) بگو: آن از سوی خودتان است. قطعاً خداوند بر هر کاری تواناست.

نکته‌ها:

□ مسلمانان که در احد هفتاد کشته دادند و شکست خوردند، از پیامبر می‌پرسیدند: چرا ما شکست خوردیم؟ خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید که به آنها بگو: شما دو برابر این تعداد را در سال قبل، در جنگ بدر، به دشمن ضربه وارد کردید. شما از آنها هفتاد کشته و هفتاد اسیر گرفتید، به علاوه شکست امسال به خاطر تفرقه و سستی و اطاعت نکردن خودتان از فرماندهی بوده است.

پیام‌ها:

۱- هنگام قضاوت، تلخی‌ها و شیرینی‌ها را با هم در نظر بگیرید. تنها شکست

أحد را نبینید، پیروزی بدر را هم یاد کنید. ﴿قد اصبتم مثلها﴾
 ۲- در جستجوی عوامل شکست، ابتدا به سراغ عوامل درونی و روحی و فکری
 خود بروید، سپس عوامل دیگر را پیگیری کنید. ﴿قل هو من عند انفسکم﴾
 ۳- خداوند بر هر چیزی قادر است، ولی ما باید شرایط لازم و لیاقت بهره‌برداری
 را به دست آوریم. ﴿هو من عند انفسکم... ان الله على كل شیء قدير﴾
 ۴- گمان نکنید که تنها مسلمان بودن برای پیروزی کافی است، تا در هر شکستی
 کلمه‌ی «چرا و چطور» را بکار ببرید، بلکه علاوه بر ایمان، رعایت اصول و
 قوانین نظامی و سنت‌های الهی لازم است. ﴿قلتم انى هذا قل هو من عند انفسکم﴾
 ﴿۱۶۶﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ

لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ

و آنچه روز مقابله‌ی دو گروه (کفر و ایمان در احد) به شما وارد شد، به اذن
 خدا بود (تا شما را آزمایش کند) و مؤمنان را مشخص کند.

نکته‌ها:

□ خداوند برای هر کاری، علتی را مقرر کرده است و هر یک از شکست و پیروزی
 دلیلی دارند. علت شکست شما در احد این بود که سست شده و ناهماهنگی
 کردید و برای جمع آوری غنائم حرص ورزیدید، که در آیه قبل فرمود: ﴿هو من
 عند انفسکم﴾ این آیه می‌فرماید: هر یک از انتخاب‌های شما، میان اتحاد یا تفرقه،
 جدی بودن یا سست شدن، در مدار اراده‌ی الهی است. اوست که به شما قدرت
 انتخاب می‌دهد و هر راهی برگزینید، به همان نتیجه‌اش می‌رسید. ﴿ما اصابکم...
 فباذن الله﴾

پیام‌ها:

۱- شکست‌ها و پیروزی‌ها، به اراده‌ی خداوند محقق می‌شود که همان سنت‌های
 اوست. ﴿فباذن الله﴾

۲- حوادث تلخ و شیرین، میدان آزمایش و شناسایی انسان هاست. ﴿لِیَعْلَمَ الْمُؤْمِنِیْنَ﴾

﴿۱۶۷﴾ وَلِیَعْلَمَ الَّذِیْنَ نَافَقُوْا وَقِیْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوْا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اَوْ
اُدْفَعُوْا قَالُوْا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعُنٰكُمْ هُمْ لِّلْکُفْرِ یَوْمَئِذٍ اَقْرَبُ
مِنْهُمْ لِیَلِیْمِنِ یَقُوْلُوْنَ بِاَفْوَاهِهِمْ مَا لَیْسَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ
بِمَا یَكْتُمُوْنَ

و چهره‌ی منافقان معلوم شود، (کسانی که چون) به آنها گفته شد: بیایید شما
(هم مثل دیگران) در راه خدا بجنگید و یا (لااقل از حریم خود) دفاع کنید، گفتند:
اگر (فنون) جنگی را می‌دانستیم، حتماً از شما پیروی می‌کردیم. آنها در آن
روز، به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان. با دهانشان چیزی می‌گویند که در
دلشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می‌کنند آگاه‌تر است.

نکته‌ها:

- برای جمله‌ی ﴿لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا﴾ سه معنا شده است:
- الف: حرکت شما برای احد در خارج از شهر، جنگ برابر نیست، بلکه یک نوع خودکشی است و لذا ما این را جنگ نمی‌دانیم و شرکت نمی‌کنیم.
- ب: ما اگر فنون نظامی می‌دانستیم شرکت می‌کردیم.
- ج: ما یقین داریم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا شرکت در جبهه ضرورتی ندارد.

پیام‌ها:

- ۱- جبهه‌ی جنگ، چهره منافقان را افشا می‌سازد. ﴿و لِیَعْلَمَ الَّذِیْنَ نَافَقُوْا﴾
- ۲- رهبر باید مردم را برای مقابله با دشمن بسیج کند. ﴿تَعَالَوْا قَاتِلُوْا﴾
- ۳- جهاد، گاهی ابتدایی و برای برداشتن طاغوت هاست و گاهی دفاعی و برای حفظ جان و مال مسلمانان است. ﴿قَاتِلُوْا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اَوْ اُدْفَعُوْا﴾
- ۴- انگیزه‌ها و درجات و ارزش آنها متفاوت است. ﴿قَاتِلُوْا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اَوْ اُدْفَعُوْا﴾

- ۵- دفاع از وطن و جان، یک ارزش است. ﴿او اذفعا﴾
- ۶- منافقان، موضع گیری های خودشان را توجیه می کنند. ﴿لو نعلم قتالاً لاتبعناکم﴾
- ۷- سر باز زدن از جبهه، نشانه ی کفر است. ﴿هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان﴾
- ۸- ایمان انسان در شرایط و زمان های مختلف فرق می کند. ﴿هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان﴾
- ۹- همه ی اصحاب پیامبر ﷺ عادل نبودند. ﴿هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان﴾
- ۱۰- خداوند در باره ی منافقان، هم تهدید می کند و هم افشاگری. ﴿هم للکفر یومئذ اقرب... یقولون بافواهم ما لیس فی قلوبهم﴾
- ۱۱- آنچه در احد برای همه کشف شد، گوشه ای از نفاق بود، بخش بیشترش را خدا می داند. ﴿والله اعلم بما یکتوم﴾

﴿۱۶۸﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَتَلُوا قُلُوبَ فَادِرَءُوا
عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

منافقان کسانی هستند که (بعد از پایان جنگ احد، دست به تبلیغات یأس آور زده و در حالی که خود از جنگ سر باز زده و در خانه های) خود نشسته اند و در حق برادران خود گفتند: اگر از ما پیروی می کردند کشته نمی شدند. به آنان بگو: اگر راست می گوئید، مرگ را از خودتان باز دارید.

پیام ها:

- ۱- منافقان به هنگام حرکت مردم به جبهه ها، در خانه ها می نشینند. ﴿و قعدوا﴾
- ۲- منافقان، روحیه ی خانواده های شهدا را تضعیف می کنند. ﴿لو اطاعونا ما قتلوا﴾
- ۳- منافقان، خود را رهبر فکری دیگران می دانند. ﴿لو اطاعونا﴾
- ۴- در جهان بینی منافقان، اصالت با زندگی مادی و رفاه است. ﴿و قعدوا لو اطاعونا ما قتلوا﴾
- ۵- ایمان به مقدر بودن مر ، سبب شجاعت و پذیرش رفتن به جبهه است و در

- بینش منافقان، شهادت و سعادت اُخروی جایگاه ندارد. ﴿لو اطاعونا ما قتلوا﴾
 ۶- باید با تبلیغات سوء منافقان برخورد کرد. ﴿قل فادرؤا عن انفسکم الموت﴾
 ۷- انسان نمی تواند مر را از خود دفع کند. ﴿فادرؤا عن انفسکم الموت﴾
 ۸- مر به دست خداست، جبهه یا خانه در مر نقش اصلی را ندارند. ﴿فادرؤا
 عن انفسکم الموت و ان کنتم صادقین﴾

﴿۱۶۹﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

و هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده اند، مردگانند؛ بلکه آنها
 زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

نکته ها:

- ما بر مبنای قرآن که شهیدان را زنده می داند، به شهدای راه اسلام و خصوصاً
 شهدای کربلا سلام کرده، با آنان حرف می زنیم و توسل می جوئیم.
- ابوسفیان در پایان جنگ احد با صدای بلند فریاد می زد: این هفتاد کشته ی
 مسلمانان در احد، به عوض هفتاد کشته ی ما در جنگ بدر. ولی رسول خدا ﷺ
 فرمود: کشته های ما در بهشت جای دارند، ولی کشتگان شما در دوزخند.^(۱)

نکاتی پیرامون شهید و شهادت

- ۱- در روایات آمده است که شهید، هفت ویژگی اعطایی از جانب خداوند دارد:
 اوّلین قطره ی خونش، موجب آمرزش گناهانش می گردد. سر در دامن حورالعین
 می نهد. به لباس های بهشتی آراسته می گردد. معطر به خوش بوترین عطرها
 می شود. جایگاه خود را در بهشت مشاهده می کند. اجازه ی سیر و گردش در تمام
 بهشت به او داده می شود. پرده ها کنار رفته و به وجه خدا نظاره می کند.^(۲)

۱. تفسیر مجمع البیان. ۲. وسائل، ج ۱۱، ص ۱۰.

- ۲- پیامبر ﷺ از شخصی شنید که در دعا می‌گوید: «اسئلك خير ما تسئل» خدایا! بهترین چیزی که از تو درخواست می‌شود به من عطا کن، فرمود: اگر این دعا مستجاب شود، در راه خدا شهید می‌شود. (۱)
- ۳- در روایت آمده است: بالاتر از هر نیکی، نیکوتری هست، مگر شهادت که هرگاه شخصی شهید شود، بالاتر از آن خیری متصور نیست. (۲)
- ۴- در روز قیامت، شهید مقام شفاعت دارد. (۳)
- ۵- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: در قیامت لغزش‌های شهید به خودش نیز نشان داده نمی‌شود. (۴)
- ۶- شهدای صف اول حمله و خط شکن، مقامشان برتر است. (۵)
- ۷- مجاهدان از درب مخصوص وارد بهشت می‌شوند (۶) و قبل از همه به بهشت می‌روند (۷) و در بهشت جایگاه مخصوصی دارند. (۸)
- ۸- تنها شهید است که آرزو می‌کند به دنیا بیاید و دوباره شهید شود. (۹)
- ۹- بهترین و برترین مرگ‌ها، شهادت است. (۱۰)
- ۱۰- هیچ قطره‌ای محبوب‌تر از قطره‌ی خونی که در راه خدا ریخته شود، در نزد خداوند نیست. (۱۱)
- ۱۱- در قیامت، شهید سلاح به دست، با لباس رزم و بوی خوش به صحنه می‌آید و فرشتگان به او درود می‌فرستند. (۱۲)
- ۱۲- امامان ما شهید شدند. بسیاری از انبیا و رهروان و پیروان آنان نیز شهید شدند. ﴿وَكَايِنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا﴾ (۱۳)، ﴿يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾ (۱۴)

-
۱. مستدرک، ج ۲، ص ۲۴۳. ۲. بحار، ج ۷۴، ص ۶۱. ۳. بحار، ج ۲، ص ۱۵.
 ۴. وسائل، ج ۱۱، ص ۹. ۵. میزان الحکمة. ۶. بحار، ج ۹۷، ص ۸.
 ۷. بحار، ج ۹۷، ص ۱۱. ۸. تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۲۴۱.
 ۹. کنز العمال، ج ۴، ص ۲۹۰. ۱۰. بحار، ج ۱۰۰، ص ۸. ۱۱. وسائل، ج ۱۱، ص ۶.
 ۱۲. بحار، ج ۹۷، ص ۱۳. ۱۳. آل عمران، ۱۴۶. ۱۴. بقره، ۶۱.

- ۱۳- حضرت علی علیه السلام با داشتن دهها فضیلت اختصاصی، تنها وقتی که در آستانه‌ی شهادت قرار گرفت فرمود: «فزت و ربّ الکعبة» او اوّل کسی بود که ایمان آورد، جای پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید، برادر پیامبر شد، تنها خانه‌ی او به مسجد پیامبر درب داشت، پدر امامان و همسر زهرا علیها السلام بود. بت شکن بود، ضربت روز خندق او، از عبادت تقلین افضل شد. امّا در هیچ یک از موارد مذکور نفرمود: «فُزت»
- ۱۴- علی علیه السلام می فرمود: قسم به خدایی که جان فرزند ابوطالب در دست اوست، تحمّل هزار ضربه شمشیر در راه خدا، آسان‌تر از مرگ در رختخواب است. (۱)
- ۱۵- علی علیه السلام در جنگ احد ناراحت بود که چرا به شهادت نرسیده است تا اینکه مژده شهادت در آینده را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دریافت نمود.
- ۱۶- شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی می نویسد: سخاوتمند، هنرمند و عالم؛ مال، هنر و علم خود را که بخشی از وجود اوست جاودانه می کند، امّا شهید، خودش را جاودانه می کند. (۲)
- ۱۷- در عالم حیوانات نیز گوسفند مرده بی ارزش است، گوسفندی که به سوی قبله و با نام خدا ذبح شود، ارزش دارد.
- ۱۸- همان گونه که کور، مفهوم بینایی را درک نمی کند، زندگان دنیا حیات شهدا را درک نمی کنند.
- ۱۹- وقتی انفاق مال در راه خدا، قابلیت رشد تا هفتصد برابر و بیشتر را دارد، دادن خون و جان، در راه خدا چگونه است؟

پیام‌ها:

- ۱- شهادت، پایان زندگی نیست، آغاز حیات است. بسیاری از زندگان مرده‌اند، ولی کشتگان راه خدا زنده‌اند. ﴿یل أحياء﴾
- ۲- شهادت، باختن و از دست دادن نیست؛ بلکه یافتن و به دست آوردن است.

۲. حماسه حسینی، ج ۳، ص ۴۰.

۱. نهج البلاغه.

﴿بل أحياء... يرزقون﴾

۳- کشته شدن، آنگاه ارزشمند است که در راه خدا باشد. ﴿قتلوا فی سبیل الله﴾
 ۴- تصوّر هلاکت و یا خسارت برای شهید، تفکّر انحرافی است که باید اصلاح شود. ﴿لا تحسبن﴾

﴿۱۷۰﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آنان بخاطر آنچه خداوند از فضلش به آنها داده، شادمانند و به کسانی که به دنبال ایشانند، ولی هنوز به آنها ملحق نشده‌اند، مزده می‌دهند که نه ترسی بر آنها است و نه غمی خواهند داشت.

نکته‌ها:

□ در روایات آمده است: مؤمنان واقعی که قرآن و اهل بیت پیامبر ﷺ را با هیچ کتاب و رهبر دیگری عوض نمی‌کنند، مشمول بشارت این آیه هستند. همچنین استفاده می‌شود که زندگی برزخی یک زندگی واقعی دارای رزق و حیات و شادی و بشارت است. و مراد از آن تنها باقی ماندن نام نیک در تاریخ نیست.

پیام‌ها:

- ۱- شادی شهدا به الطاف الهی است، نه عملکرد خودشان. ﴿فرحین بما آتاهم الله﴾
- ۲- شهدا الطاف الهی را تفضّل الهی می‌دانند، نه پاداش خون خود. ﴿من فضله﴾
- ۳- شهدا از هم‌زمان خود دل نمی‌کنند و آینده خوب را به آنها بشارت می‌دهند. ﴿یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم﴾
- ۴- شهدا زندگی جمعی دارند، به یکدیگر ملحق می‌شوند و در انتظار ملحق شدن دیگران هستند. ﴿یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم﴾
- ۵- علاقه به سعادت دیگران و ملحق شدن آنان به کاروان عزّت و شرف، یک

ارزش است. ﴿و یستبشرون بالذین لم یلحقوا﴾
 ۶- کامیابی شهدا، همیشگی است و هرگز غم از دست دادن نعمتی را ندارند.
 ﴿لا خوف علیهم و لا هم یحزنون﴾

﴿۱۷۱﴾ یَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
 أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

به نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌کند، (آیندگان
 را) مژده می‌دهند.

پیام‌ها:

- ۱- در عالم برزخ، بشارت و شادمانی وجود دارد. ﴿یستبشرون﴾
- ۲- شهدا به نعمت و فضلی می‌رسند که برای ما شناخته نیست. کلمه ﴿نعمه﴾ و ﴿فضل﴾ نکره آمده است.
- ۳- پاداش عملکرد مؤمنان، بیمه شده است. ﴿لا یضیع اجر المحسنین﴾
- ۴- وعده‌ی تضمین پاداش، انگیزه عمل است. ﴿لا یضیع﴾

﴿۱۷۲﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ
 لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

آنان که دعوت خدا و رسول را (برای شرکت دوباره در جهاد علیه کفار)
 پذیرفتند، با آنکه جراحاتی به آنان رسیده بود، برای نیکوکاران و
 پرهیزکاران آنها، پاداش بزرگی است.

نکته‌ها:

- کفار قریش، پس از پیروزی در احد بسوی مکه بازگشتند. در بین راه به این فکر افتادند که چه بهتر است به مدینه بازگردیم و باقیمانده مسلمانان را نیز از بین

بیریم، تا کار اسلام یکسره شود. این خبر به پیامبر ﷺ رسید. آن حضرت فرمان بسیج داد و فرمود: شرکت کنندگان در احد حرکت کنند. مسلمانان آماده شدند. ابوسفیان وقتی از بسیج عمومی مسلمانان آگاه شد، گمان کرد که لشکر تازه نفسی مهیا شده است تا شیرینی پیروزی احد را بر کام آنان تلخ کند، لذا از حمله‌ی مجدد منصرف شد و به سرعت به طرف مکه حرکت نمود.

□ در تاریخ می‌خوانیم که در جنگ احد حضرت علی علیه السلام بیش از شصت زخم و جراحت برداشت، ولی لحظه‌ای دست از یاری پیامبر برنداشت. در تفسیر کنزالدقائق آمده است که این آیه درباره‌ی حضرت علی علیه السلام و نه نفر دیگر نازل شده است.

پیام‌ها:

- ۱- مؤمنان واقعی، در سخت‌ترین شرایط نیز دست از یاری اسلام بر نمی‌دارند.
«استجابوا... من بعد ما اصابهم القرح»
- ۲- شرکت مجروحان در جبهه، مایه‌ی تشویق و تقویت روحیه افراد سالم است.
«استجابوا... من بعد ما اصابهم القرح»
- ۳- اطاعت از رسول خدا، همچون اطاعت از خداست. «استجابوا لله و الرسول»
- ۴- شرکت مجروحان در جبهه، نشانه‌ی وفاداری و عشق و معرفت کامل آنان به مکتب و رهبر و هدف است. «من بعد ما اصابهم القرح»
- ۵- گاهی شرایط جنگ به گونه‌ای است که حتی مجروحان نیز باید حاضر شوند.
«استجابوا... من بعد ما اصابهم القرح»
- ۶- هرچه عمل دشوارتر باشد، قابل ستایش بیشتری است. «استجابوا... من بعد ما اصابهم القرح»
- ۷- حضور در جبهه و مجروح شدن، اگر همراه با تقوی نباشد بی‌ارزش است.
«للدین احسنوا منهم واتقوا»
- ۸- برخی از اصحاب پیامبر که در جبهه هم شرکت کرده‌اند، از سلامت فکر و

تقوی دور شدند. ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا﴾

۹- رزمنده‌ای قابل ستایش است که:

الف: از جنگ خسته نشود. ﴿استجابوا... من بعد ما اصابهم القرع﴾

ب: اهل کار نیک باشد. ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ﴾

ج: از فرمان خدا و رسول تخلف نکند. ﴿واتقوا﴾

﴿۱۷۳﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

مؤمنان کسانی هستند که (چون) مردم (منافق) به ایشان گفتند: بی شک مردم

(کافر مکه) بر ضد شما گرد آمده (و بسیج شده) اند، پس از آنان بترسید، (آنها

به جای ترس) بر ایمانشان بیافزود و گفتند: خداوند ما را کفایت می‌کند و او

چه خوب نگهبان و یاور است.

نکته‌ها:

- عوامل تبلیغاتی دشمن و برخی از مردمان ساده اندیش و ترسو، به رزمندگان و مجاهدان تلقین و نصیحت می‌کنند که دشمن قوی است و کسی نمی‌تواند حریف آنان بشود، پس بهتر است درگیر جنگ نشوید. اما مسلمانان واقعی، بدون هیچ ترس و هراسی، با آرامش خاطر و با توکل به خداوند، به آنان پاسخ می‌گویند.
- امام صادق علیه السلام فرمودند: تعجب می‌کنم از کسی که می‌ترسد، چرا به گفته‌ی خداوند «حسبنا الله و نعم الوکیل» پناه نمی‌برد. ^(۱)

پیام‌ها:

۱- در برابر تبلیغات توخالی دشمن نهراسید. ﴿فاخشوهم فزادهم ایمانا﴾

۲- در جبهه‌ها، مواظب افراد نفوذی دشمن باشید. ﴿فاخشوهم﴾

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۲.

۳- قوی‌ترین اهرم در برابر تهدیدات دشمن، ایمان و توکل به خداست. ﴿حسبنا الله و نعم الوکیل﴾

۴- مؤمن وقتی در گرداب بلا قرار می‌گیرد، توکل و اتصال خود را با خدا بیشتر می‌کند. ﴿زادهم ایماناً﴾

۵- هم حرکت و تلاش لازم است، هم ایمان و توکل. ﴿استجابوا... حسبنا الله و نعم الوکیل﴾

﴿۱۷۴﴾ فَاَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَّاَتَّبَعُوا
رِضْوَانَ اللّٰهِ وَّاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

پس (این مجروحینی که برای بار دوم آماده دفاع شدند؛ بدون رخ دادن عملیاتی) با نعمت و فضل خداوند (به مقر خود) بازگشتند، در حالی که هیچ گزندی به آنها نرسید و (همچنان) از رضای پروردگار پیروی کردند و خداوند صاحب فضل بزرگی است.

نکته‌ها:

□ پس از آنکه مجروحان جنگ احد، به فرمان رسول خدا ﷺ بار دیگر برای دفاع از اسلام بسیج شده و تا منزلگاه حمراءالاسد در تعقیب دشمن رفتند، دشمنان از آمادگی و روحیه‌ی مسلمانان به هراس افتاده، از هجوم مجدد منصرف شده و بازگشتند. این آیه در تقدیر از رزمندگان مجروح و مخلص جنگ احد است.

پیام‌ها:

- ۱- حرکت در مسیر انجام وظیفه، همراه با توکل به خدا، سبب تبدیل مشکلات به آسانی می‌شود. ﴿فانقلبوا بنعمة...﴾
- ۲- چه بسیار کسانی که در راه خدا، به استقبال خطر رفته و سالم برگشته‌اند. ﴿لم یسهم سوء﴾
- ۳- برای مردان خدا اصل رضایت الهی است، نه شهادت. ﴿لم یسهم سوء و اتبعوا﴾

رضوان الله ﴿﴾

۴- فضلِ بزر خدا، نصیبِ شرکت کننده در جبهه است. ﴿والله ذو فضل عظیم﴾

﴿۱۷۵﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِيَّاهُ

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

این شیطان است که دوستان خویش را (از قدرت کفار) می ترساند، پس اگر ایمان دارید از آنان نترسید و فقط از (مخالفت) من بترسید.

پیام‌ها:

- ۱- هرگونه شایعه‌ای که مایه‌ی ترس و یأس مسلمانان گردد، شیطانی است. ﴿انما ذلکم الشیطان یخوف اولیائه﴾
- ۲- شیوه‌ی ارعاب و تهدید، سیاست دائمی قدرت‌های شیطانی است. ﴿یخوف﴾
- ۳- افراد ترسوی میدان‌های نبرد، یار شیطان و تحت نفوذ شیطانند. ﴿یخوف اولیائه﴾
- ۴- مؤمنان شجاع، از ولایت شیطان دورند. ﴿الشیطان یخوف اولیائه﴾
- ۵- ترس از خدا، زمینه‌ی فرمان‌پذیری و ترس از غیر خدا، زمینه‌ی فرمان‌گریزی است. ﴿فلا تخافون و خافون﴾ (با توجه به آیات قبل)
- ۶- مؤمن واقعی از غیر خدا نمی ترسد و می داند که ایمان از شجاعت جدا نیست. ﴿و خافون ان کنتم مومنین﴾

﴿۱۷۶﴾ وَلَا يَحْزَنُكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ

شَيْئاً يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزْباً فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و (ای پیامبر!) کسانی که در کفر می شتابند، ترا اندوهگین نکنند. آنان هرگز به خداوند ضرری نمی زنند. خداوند خواسته است که برای آنها هیچ بهره‌ای در قیامت قرار ندهد و برای آنان عذابی بزرگ است.

نکته‌ها:

□ گویا شرکت کنندگان در جنگ اُحد، از همدیگر می پرسیدند: حال که ما شکست خوردیم و کفار پیروزمندان به مکه برگشتند، چه خواهد شد؟ آیه در پاسخ آنان می فرماید: ناراحت نباشید، این مهلت الهی است تا پیمان کفرشان پر شود و دیگر حظی در آخرت نداشته باشند.

پیام‌ها:

- ۱- آرامش خود را حفظ کنید، که تلاش‌های کفار در محو اسلام بی اثر است.
﴿لَا يَجْزِيكَ... انهم لن يضرّوا الله﴾
- ۲- کفر انسان‌ها، اندک ضرری به ساحت قدس خدا نمی زند. ﴿لن يضرّوا الله شيئاً﴾
- ۳- حضور در میدان کفر، انسان را از قابلیت توبه و دریافت رحمت الهی محروم می کند. ﴿الا يجعل لهم حظاً في الآخرة﴾
- ۴- مهلت دادن به کفار، سنت الهی است، نه آنکه نشانه‌ی ناآگاهی و یا ناتوانی خداوند باشد. ﴿يريد الله الا يجعل لهم حظاً في الآخرة﴾
- ۵ - محرومیت انسان در آخرت، ناشی از عملکرد او در دنیا است. ﴿يسارعون في الكفر... الا يجعل لهم حظاً في الآخرة﴾
- ۶- هم فضل الهی بزر است و هم قهر او. (در دو آیه قبل، نسبت به مجروحانی که به فرمان رسول خدا ﷺ به جبهه رفتند، از فضل عظیم الهی بشارت داد و در این آیه نسبت به کفار سرسخت، عذاب عظیم را یادآور می شود). ﴿هم عذاب عظيم﴾

﴿۱۷۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

قطعاً کسانی که ایمان را با کفر معامله کردند، هرگز به خداوند ضرری نمی‌رسانند و برای آنان عذاب دردناکی است.

نکته‌ها:

□ در قرآن مسأله‌ی خرید و فروش و سود و زیان سرمایه عمر، بارها تکرار شده است. قرآن، دنیا را بازار می‌داند و مردم را فروشنده و عقاید و اعمال انسان را در طول عمر، کالای این بازار. در این بازار، فروش اجباری است ولی انتخاب مشتری با انسان است. یعنی ما نمی‌توانیم آنچه را داریم، از قدرت و عمل و عقیده‌ها بگذاریم، ولی می‌توانیم مسیر عقاید و کردار را سودبخش یا زیان آور قرار دهیم. در قرآن از عده‌ای ستایش شده که جان خود را با خدا معامله می‌کنند و در عوض بهشت و رضوان می‌گیرند، و از عده‌ای انتقاد شده که بخاطر انحراف و انتخاب سوء یا سودی نمی‌برند؛ ﴿فما ربحتم﴾^(۱) و یا دچار خسارت می‌شوند؛ ﴿انّ الانسان لفي خسر﴾ و در بعضی از آیات همچون آیه‌ی فوق، کسانی که ایمان خود را با کفر معامله می‌کنند، تحقیر می‌شوند و در مقابل به مؤمنان دلداری داده می‌شود که ارتداد آنها، به خدا و راه خدا هیچ ضرری نمی‌زند.

پیام‌ها:

- ۱- سرمایه اصلی انسان، ایمان و یا زمینه‌های فطری ایمان است. ﴿اشتروا الكفر بالایمان﴾
- ۲- در یک انقلاب عقیدتی و فرهنگی، از ریزش‌های جزئی نگران مباشید. ﴿اشتروا الكفر... لن يضرّوا الله﴾

﴿۱۷۸﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و کسانی که کافر شدند، می‌پندارند مهلتی که به آنان می‌دهیم برایشان خوب است، همانا به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناه (خود) بیفزایند و برای آنان عذابی خوارکننده است.

نکته‌ها:

- قرآن، واژه‌ی «گمان نکنید» را بارها خطاب به کفار و منافقین و افراد سست ایمان بکار برده، و این بخاطر آن است که این افراد از واقع بینی و تحلیل درست و روشن ضمیری لازم محرومند. آنها آفرینش را بیهوده، شهادت را نابودی، دنیا را پایدار، عزت را در گرو تکیه به کفار و طول عمر خود را مایه‌ی خیر و برکت می‌پندارند که قرآن بر همه‌ی این پندارها قلم بطلان کشیده است.
- اهل کفر، داشتن امکانات، بدست آوردن پیروزی‌ها و زندگی در رفاه خود را نشان شایستگی خود می‌دانند، در حالی که خداوند آنان را به دلیل آلودگی به کفر و فساد، مهلت می‌دهد تا در تباهی خویش غرق شوند.
- در تاریخ می‌خوانیم که وقتی یزید امام حسین علیه السلام را به شهادت رساند، خاندان آن حضرت را همراه زینب کبری علیها السلام به اسارت به شام بردند. یزید در مجلس خود با غرور تمام خطاب به حضرت زینب گفت: «دیدید که خدا با ماست»، حضرت در پاسخ او، این آیه را خواند و فرمود: من ترا پست و کوچک و شایسته هرگونه تحقیر می‌دانم. هر آنچه می‌خواهی انجام بده، ولی به خدا سوگند که نور خدا را نمی‌توانی خاموش کنی. آری، برای چنین افراد خوشگذرانی، عذاب خوارکننده آماده شده، تا عزت خیالی و دنیایی آنان، با خواری و ذلت در آخرت همراه باشد.
- مجرومان دوگونه‌اند: گروهی که قابل اصلاحند و خداوند آنها را با موعظه و حوادث تلخ و شیرین، هشدار داده و بیدار می‌کند، و گروهی که قابل هدایت نیستند، خداوند آنها را به حال خویش رها می‌کند تا تمام قابلیت‌های آنان بروز کند. به همین جهت امام باقر علیه السلام ذیل این آیه فرمود: مرگ برای کفار یک نعمت است، زیرا هر چه بیشتر بمانند زیادتر گناه می‌کنند.^(۱)
- حضرت علی علیه السلام درباره‌ی «**أَمَّا فُلَىٰ لَهُمْ لِيَزِدُوا إِثْمًا**» فرمود: چه بسیارند کسانی که

۱. تفسیر نورالثقلین.

احسان به آنان (از جانب خداوند)، استدراج و به تحلیل بردن آنان است و چه بسیارند کسانی که به خاطر پوشانده شدن گناه و عیوبشان، مغرورند و چه بسیارند افرادی که به خاطر گفته‌های خوب درباره آنان مفتون شده‌اند. خداوند هیچ بنده‌ای را به چیزی همانند «املاء» مبتلا نکرده است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- کفر، مانع شناخت حقیقت است. ﴿لَا یَحْسِبُنَ الَّذِینَ کَفَرُوا...﴾
- ۲- کوتاه یا بلند بودن عمر و زمان رفاه، بدست خداست. ﴿نَمَلِ لَهُمْ... نَمَلِ لَهُمْ﴾
- ۳- همه‌ی انسان‌ها دنبال خیر هستند، لکن بعضی در مصداق اشتباه می‌کنند. ﴿لَا یَحْسِبُنَ... خَیْرَ لَانْفُسِهِمْ﴾
- ۴- مهلت‌های الهی، نشانه‌ی محبوبیت نیست. ﴿لَا یَحْسِبُنَ... خَیْرَ لَانْفُسِهِمْ﴾
- ۵- نعمت‌ها به شرطی سودمند هستند که در راه رشد و خیر قرار گیرند، نه شرّ و گناه. ﴿أَمَّا نَمَلِ لَهُمْ لَیَزِدَا دَاوَأَ اِثْمًا﴾
- ۶- طول عمر مهم نیست، بهره از عمر مهم است. ﴿أَمَّا نَمَلِ لَهُمْ﴾
امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم‌الاخلاق چنین می‌فرماید: خدایا! اگر عمر من چراگاه شیطان خواهد شد، آن را کوتاه بگردان.
- ۷- زود قضاوت نکنید، پایان کار و آخرت را نیز به حساب بیاورید. ﴿أَمَّا نَمَلِ لَهُمْ خَیْرٌ... وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِینٌ﴾
- ۸- رفاه و حاکمیت ستمگران، نشانه‌ی رضای خداوند از آنان نیست. چنانکه دلیلی بر سکوت ما در برابر آنان نمی‌باشد. ﴿نَمَلِ لَهُمْ... لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِینٌ﴾
- ۹- عذاب‌های آخرت، انواع و مراحل متعدّد دارد. ﴿عَذَابُ الِیمِ﴾ در آیه قبل، و ﴿عَذَابٌ مُّهِینٌ﴾ در این آیه.

۱. تحف العقول، ص ۲۰۳.

﴿۱۷۹﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ
 الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ
 اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِينُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ
 تَوَّابُونَ وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

خداوند بر آن نیست که (شما) مؤمنان را بر آن حالی که اکنون هستید رها کند، مگر اینکه (با پیش آوردن آزمایش‌های پی در پی)، ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه سازد، ولی از پیامبرانش، هر که را بخواهد (برای آگاهی از غیب) بر می‌گزیند، پس به خدا و پیامبرانش ایمان آورید و (بدانید) اگر ایمان آورده و تقوا پیشه کنید، پس برای شما پاداش بزرگی خواهد بود.

نکته‌ها:

□ این آیه، آخرین آیه درباره‌ی جنگ احد است که می‌فرماید: جهان یک آزمایشگاه بزرگ است و چنین نیست که هر کس ادعای ایمان کند رها شود و در جامعه به طور عادی زندگی کند، بلکه شکست‌ها و پیروزی‌ها، برای شناخته شدن نهان انسان‌هاست. بعضی مؤمنان خواستار آگاهی از غیب و نهان انسان‌ها بودند و می‌خواستند از طریق غیب منافقان را بشناسند، نه از طریق آزمایش که این آیه می‌فرماید: راه شناخت، آزمایش است نه غیب، و شناسایی خوب و بد، از طریق آزمایش‌های تدریجی صورت می‌گیرد. چون اگر به علم غیب، افراد بد و خوب شناخته شوند، شعله‌ی امید خاموش و پیوندهای اجتماعی گسسته و زندگی دچار هرج و مرج می‌شود.

پیام‌ها:

۱- خداوند، کفار را به حال خود رها می‌کند؛ ﴿غُلِيَ لَهُمُ لِيُزَادُوا إِثْمًا﴾ ولی مؤمنان را رها نمی‌کند. ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾

- ۲- جداسازی پاک از پلید، از سنت‌های الهی است. ﴿حَتَّى يُمِيزَ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾
- ۳- ایمان و کفر افراد، از امور درونی و غیبی است که باید از طریق آزمایش ظاهر شود، نه علم غیب. ﴿حَتَّى يُمِيزَ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ﴾
- ۴- زندگی با مردم باید بر اساس ظاهر آنان باشد، آگاهی بر اسرار مردم، زندگی را فلج می‌کند. ﴿وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ﴾
- ۵- علم غیب، مخصوص خداست و فقط به بعضی از پیامبران برگزیده‌اش، آن هم در حدّ اطلاع بر غیب نه تمام ابعاد آن، بهره‌ای داده است. ﴿لِيُطْلِعَكُمْ﴾
- ۶- هر چند زندگی باید به نحو عادی سپری شود، ولی خدا به افرادی علم غیب را عطا می‌کند. ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنِ رَسَلَهُ﴾
- ۷- درجات انبیا یکسان نیست. ﴿يُحِبُّ مَنِ رَسَلَهُ مِنْ إِيَّاهُ﴾
- ۸- خداوند علم غیب را به کسانی می‌دهد که از جانب او صاحب رسالتی باشند. ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنِ رَسَلَهُ﴾
- ۹- ایمان قلبی باید همراه با تقوای عملی باشد. ﴿تَوَمَّنُوا وَ تَتَّقُوا﴾
- ۱۰- طیب و پاک‌ی اصالت داشته و پایدار است، ولی خبث عارضی و رفتنی است. ﴿يُمِيزُ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾ جدا کردن ناپاک از پاک، نشانه عارضی بودن ناپاک است.

﴿۱۸۰﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا
لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ
مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

و کسانی که نسبت به (انفاق) آنچه خداوند از فضلش به آنان داده، بخل می‌ورزند، گمان نکنند که (این بخل) برای آنان بهتر است، بلکه آن برایشان بدتر است. به زودی آنچه را که بخل کرده‌اند در روز قیامت، (به صورت) طوقی بر گردنشان آویخته می‌شود. و میراث آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

پیام‌ها:

- ۱- واقع بین باشید واز خیال و گمان انحرافی دوری کنید. «لایحسبن»
- ۲- مال که از آن تو نیست، پس بخل چرا؟ «اتاهم الله من فضله»
- ۳- سرچشمه‌ی بخل، ناآگاهی و تحلیل غلط از خیر و شر است. «لایحسبن الذین یبخلون... خیرا لهم بل هو شرّ لهم»
- ۴- یکی از وظایف انبیا، اصلاح بینش و تفکر انسان‌هاست. «لایحسبن... هو خیرا لهم بل هو شرّ لهم»
- ۵- حبّ دنیا، شرور را نزد انسان خیر جلوه می‌دهد. «لایحسبن... هو خیر»
- ۶- در قیامت، برخی جمادات نیز محشور می‌شوند. «سیطوقون ما بخلوا»
- ۷- معاد، جسمانی است. «سیطوقون ما بخلوا»
- ۸- قیامت، صحنه‌ی ظهور خیر و شرّ واقعی است. «هو شرّ لهم سیطوقون ما بخلوا»
- ۹- انسان، در تصرف اموال خود آزاد مطلق نیست. «سیطوقون ما بخلوا»
- ۱۰- قیامت، صحنه‌ی تجسم عمل است. «سیطوقون ما بخلوا» در حدیث آمده است: هر کس زکات مال خود را ندهد، در قیامت اموالش به صورت مار و طوقی بر گردنش نهاده می‌شود.^(۱)
- ۱۱- زمان برپایی قیامت، دور نیست. «سیطوقون»
- ۱۲- اسیر مال شدن در دنیا، موجب اسارت در آخرت است. «سیطوقون»
- ۱۳- بدترین نوع شکنجه، شلاق خوردن از دست محبوب‌هاست. آنچه را در دنیا بخل ورزیده‌ایم، همان مایه‌ی عذاب ما می‌شود. «سیطوقون ما بخلوا»
- ۱۴- خداوند هم صاحب میراث ماندگار دنیاست و هم نیازمند انفاق ما نیست. پس دستور انفاق، برای سعادت خود ماست. «و لله میراث السموات والارض»
- ۱۵- وارث واقعی همه چیز و همه کس خداست. ما با دست خالی آمده‌ایم و با

۱. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۳، ص ۵۰۲.

دست خالی می‌رویم، پس بخل چرا؟ ﴿وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

﴿۱۸۱﴾ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ
سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا

عَذَابَ الْحَرِيقِ

همانا خداوند سخن کسانی را که گفتند: خدا فقیر است و ما توانگریم، شنید. به زودی این سخن آنان، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و به آنان خواهیم گفت: بچشید عذاب آتش سوزان را.

﴿۱۸۲﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ

آن (عذاب) به سبب دست آورد قبلی خودتان است و همانا خداوند نسبت به بندگان، ستمگر نیست.

نکته‌ها:

- در تفاسیر می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ نامه‌ای به یهود بنی قینقاع نوشت و آنان را به ایمان، نماز، زکات و انفاق، دعوت کرد. وقتی این نامه به دست دانشمند یهودیان به نام «فتحاص» در محل تدریس او رسید، رو به شاگردان و حاضران کرد و با استهزا گفت: طبق این دعوت، خدا فقیر است و ما غنی هستیم. او از ما قرض می‌خواهد و وعده‌ی ربا و اضافه می‌دهد!
- یهودیان زمان رسول خدا ﷺ چون به رفتار نیاکان خود در مورد قتل انبیا راضی بودند، خداوند نسبت قتل را به آنان نیز می‌دهد. ﴿وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ﴾
- امام باقر علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمودند: کسانی که امام را نسبت به آنچه به او می‌دهند فقیر می‌دانند، نظیر کسانی هستند که می‌گویند: ﴿إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ﴾^(۱)

۱. تفسیر نورالثقلین؛ بحار، ج ۲۴، ص ۲۷۸.

پیام‌ها:

- ۱- خدا همه‌ی گفته‌ها را می‌شنود، پس هر حرفی را بر زبان نیاوریم. ﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ﴾
- ۲- جهل و غرور، مرز و نهایت ندارد، تا آنجا که بشر ناتوان نیازمند می‌گوید: خداوند فقیر است و ما غنی هستیم. ﴿إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ﴾
- ۳- احساس غنا و بی‌نیازی، زمینه‌ی سرپیچی از فرامین الهی و استهزای آنهاست. ﴿نَحْنُ أَغْنِيَاءُ﴾
- ۴- برخی کوتاه‌فکر، گمان می‌کنند ریشه‌ی دستورات الهی نیاز است. ﴿إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ﴾
- ۵- همه‌ی گفتارها و کردارها ثبت می‌شود. ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ﴾
- ۶- گناه یاوه‌گویی درباره‌ی خداوند، هم سنگ گناه کشتن انبیاست. ﴿قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ... وَ قَتْلَهُمُ الْاَنْبِيَاءُ﴾
- ۷- ملاک ارزیابی گفتار و کردار، از هرکس که باشد، حق است. حتی کشتن پیامبران چون ناحق است مورد کیفر واقع می‌شود. ﴿قَتْلَهُمُ الْاَنْبِيَاءُ بِغَيْرِ حَقِّ﴾
- ۸- انسان در انجام عمل آزاد است، لذا کارها به خود او نسبت داده می‌شود. ﴿قَدِّمَتْ اَيْدِيكُمْ﴾
- ۹- پاداش و کیفر الهی، بر طبق عدالت و بر اساس اعمال آزادانه و آگاهانه خود انسان است. ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدِّمْتُمْ اَيْدِيكُمْ﴾
- ۱۰- کیفرهای الهی، ظلم خدا بر بشر نیست، بلکه ظلم بشر بر نفس خویش است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ﴾
- ۱۱- اگر خداوند افراد بخیل و قاتلان انبیا را مجازات نکند، به فقرا و انبیا ظلم کرده است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ﴾

﴿۱۸۳﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا
 بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ
 وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

کسانی که گفتند: همانا خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، مگر آنکه (به صورت معجزه) یک قربانی برای ما بیاورد، که آتش (صاعقه آسمانی) آن را بخورد! بگو: (این حرفها بهانه است)، بی گمان پیامبرانی پیش از من، با دلائلی روشن و (حتی) با همین (پیشنهادی) که گفتید، برای شما آمدند، پس اگر راست می گویند چرا آنان را کشتید؟

نکته‌ها:

- برخی برای فرار از قبول اسلام، بهانه تراشی نموده و می گفتند: خداوند از ما تعهد گرفته تنها به پیامبری ایمان بیاوریم که حیوانی را قربانی کند و صاعقه‌ی آسمانی آن قربانی را در برابر چشم مردم بسوزاند، تا به پیامبری او یقین کنیم. این آیه نازل شد تا پیامبر ﷺ به آن بهانه تراشان لجوج بگوید: اگر شما راست می گویند، چرا به پیامبران قبل از من که علاوه بر انواع معجزات، آنچه را شما درخواست می کنید به شما عرضه کردند، ایمان نیاوردید؟
- امام صادق علیه السلام پس از تلاوت این آیه فرمود: میان یهودیان بهانه جوی زمان پیامبر اسلام و یهودیانی که انبیا را می کشتند، پانصد سال فاصله بوده است، اما به خاطر رضایت آنان بر قتل نیاکان، خداوند نسبت قتل را به آنان نیز داده است.^(۱)
- در تورات، کتاب اول پادشاهان، باب ۱۸ جمله ۳ و ۴، ماجرای به شهادت رساندن انبیای بنی اسرائیل آمده است. همچنین در سفر لاویان، باب ۹ جمله ۹ دوم، موضوع قربانی قوج آمده است.

پیام‌ها:

- ۱- فرار از پذیرش حق را با عناوین مذهبی توجیه نکنید. ﴿ان الله عهد الینا الا تؤمن﴾
- ۲- یهود، موسی را آخرین پیامبر نمی دانستند، بلکه می گفتند: عهد خدا با ما آن بوده است که پیامبر بعدی، چنین و چنان باشد. ﴿عهد الینا... یا تینا بقربان﴾

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸؛ کافی، ج ۲، ص ۴۰۹. (به نقل از تفسیر راهنما)

۳- انسانی که روحیه‌ی استکباری پیدا کرد، هم به خدا تهمت می‌زند؛ «انّ الله عهد الینا» و هم تسلیم هیچ پیامبری نمی‌شود؛ «الّا نؤمن لرسول» و هم توقع دارد که معجزه‌ها، مطابق تمایلات و خواست‌های او باشد. «حتی یأتینا بقریان»

۴- قربانی حیوان، تاریخی بس طولانی دارد. «...بقریان»

۵- سوابق هر گروه و ملت، بهترین گواه بر صدق یا کذب ادّعای آنهاست. «جاءکم... بالبیّنات و بالذی قلم»

۶- بهانه‌تراشی مخالفان، در طول تاریخ شبیه هم است. «و بالذی قلم»

۷- استدلال و احتجاج پیامبر با یهود، به تعلیم خداوند بود. «قل قد جائکم»

۸- گاهی برای اثبات یا حقانیت یک امر یا مصلحت مهم‌تر باید اموالی فدا شود. آری، اگر مالی آتش گرفت ولی چشمی بیدار و یا دلی روشن شد، اسراف نخواهد بود. «قد جائکم رسل... بالذی قلم...»

۹- رضایت بر گناه نیاکان، سبب شریک شدن در جرم آنان است. «فلم قتلتموهم»

﴿۱۸۴﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَ

الْكِتَابِ الْمُنِيرِ

(بنابراین) پس اگر تو را تکذیب کردند (چیز تازه‌ای نیست، زیرا) انبیای قبل از تو نیز

که همراه با معجزات و نوشته‌ها و کتاب روشنگر آمده بودند، تکذیب شدند.

پیام‌ها:

۱- آشنایی با تاریخ گذشتگان، روحیه‌ی صبر و مقاومت را در انسان بالا می‌برد.

﴿فان کذبوک فقد کذب رسل من قبلك﴾

۲- تمام انبیا، مخالفانی داشته‌اند. «کُذِّبَ رسل»

۳- حرکت انبیا در طول تاریخ، یک حرکت فرهنگی، فکری و اعتقادی بوده

است. «بالبیّنات والزبر والکتاب»

۴- معجزات پیامبران متنوع بوده‌اند، ولی اصول همه‌ی ادیان یکی بوده است.

کلمه‌ی «البينات» جمع، ولی «الكتاب» مفرد آمده است.

﴿۱۸۵﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

هرکسی چشنده‌ی مرگ است. و بی گمان روز قیامت پاداش‌های شما به طور کامل پرداخت خواهد شد. پس هرکس از آتش بر کنار شد و به بهشت وارد گشت، قطعاً رستگار است و زندگانی دنیا، جز مایه‌ی فریب نیست.

نکته‌ها:

□ این آیه به پیامبر و دیگر مصلحان که مورد آزار و اذیت و تکذیب کفار قرار می‌گیرند، روحیه‌ی صبر و مقاومت می‌بخشد، زیرا می‌فرماید: همه می‌میرند و لجاجت‌ها موقتی است و پاداش تحمل این مشکلات را خداوند بی‌کم و کاست عطا می‌کند.

□ امام صادق علیه السلام درباره‌ی «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» فرمودند: همه‌ی اهل زمین و آسمان می‌میرند و فقط ملک‌الموت و حاملان عرش و جبرئیل و میکائیل باقی می‌مانند، سپس ملک‌الموت مأمور می‌شود که روح آنان را نیز بگیرد و تنها خود باقی می‌ماند و خداوند به او خطاب می‌کند که بمیر، او نیز می‌میرد.^(۱) و همچنین آن حضرت فرمودند: کسی که مرگ را نچشیده و کشته شده، به دنیا برگردانده می‌شود تا مرگ را بچشد.^(۲)

پیام‌ها:

۱- مر در راه است، پس این همه لجاجت و استکبار در برابر حق، برای چه؟
﴿كَذَّبُوا... كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۵۶. ۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۲.

- ۲- مر ، عدم نیست، یک امر وجودی است که قابل چشیدن است، راه انتقال از دنیا به آخرت است. «ذائقة الموت»
- ۳- گناهان و عوامل سوق دهنده به دوزخ، دارای جاذبه‌هایی است که باید انسان با نیروی ایمان و عمل صالح خود را برهاند. «زُحِرَ عَنِ النَّارِ»
- ۴- جزای کامل در آخرت است، و پاداش‌های دنیوی بی‌ارزش. «توفون أجورکم يوم القيامة... ما الحیوة الدنيا الاّ متاع الغرور»

﴿۱۸۶﴾ لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَ
تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

قطعاً شما در اموال و جان‌های خویش آزمایش خواهید شد و از کسانی که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شده‌اند و از کسانی که شرک ورزیده‌اند، آزار بسیاری می‌شنوید و اگر صبوری و پرهیزگاری پیشه کنید، پس قطعاً آن (صبر، نشانه‌ی) عزم استوار شما در کارهاست.

نکته‌ها:

- وقتی مسلمانان از مکه به مدینه مهاجرت کردند، مشرکان دست تجاوز به اموال آنان گشودند، چنانکه به هرکس نیز دست می‌یافتند، او را مورد آزار قرار می‌دادند. از طرف دیگر، در مدینه هم یهودیان به آنها زخم زبان می‌زدند و حتی برخی با کمال بی‌شرمی برای زنان و دختران مسلمان، غزل سرایی کرده و یا آنها را هجو می‌نمودند. سردمداری این جریان با شخصی به نام کعب بن اشرف بود که رسول خدا ﷺ دستور قتل وی را صادر نمود. این آیه ضمن تسلی خاطر دادن به مسلمانان، از آنان می‌خواهد در برابر آزار دشمنان صبر و تقوی پیشه کنند که مایه‌ی استواری آنان در ایمان می‌گردد.
- امام رضا علیه السلام پرداخت زکات را یکی از مصادیق آزمایش در اموال دانستند که در

این آیه مطرح گردیده است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- آزمایش، یک سنت جدی الهی است، خود را آماده کنیم. (حرف لام در اول و حرف نون مشدد در آخر «لتبلون» نشانه‌ی جدی بودن مسئله است.)
- ۲- یاد مر و زودگذری دنیا، مسائل را برای انسان آسان می‌کند. «کل نفس ذائقة الموت... لتبلون فی اموالکم»
- ۳- بیشترین ابزار آزمایش، مال و جان است. «اموالکم و انفسکم»
- ۴- علاوه بر پذیرش خطر جان و مال، باید خود را برای شنیدن انواع نیش‌ها و تحقیرها آماده کرد. «ولتسمعن...»
- ۵- شنیدن تحقیر و هجو، و آزار دیدن از دشمن، یکی از وسایل آزمایش است. «لتبلون... ولتسمعن... اذی کثیراً»
- ۶- برای رسیدن به اهداف مقدس، گاهی باید همه گونه سختی را تحمل کرد. ضربه به مال، جان، حیثیت و آبرو. «اموالکم و انفسکم ولتسمعن... اذی کثیراً»
- ۷- انتظار زخم زبان از مخالفان، سبب آمادگی مسلمانان است. «لتسمعن...»
- ۸- مخالفان اسلام در ضربه زدن به مسلمانان، وحدت در هدف و گاهی وحدت در شیوه دارند. «لتسمعن من الذین اوتوا الكتاب... و من الذین اشركوا»
- ۹- دشمن به کم قانع نیست. «اذی کثیراً»
- ۱۰- صبر و تقوی در کنار هم رمز موفقیت است. استقامت بدون تقوا، در افراد لجوج نیز پیدا می‌شود. «تصبروا و تتقوا»
- ۱۱- صبر و تقوی، ملازم یکدیگرند. کلمه‌ی «ذلك» مفرد است، در حالی که به صبر و تقوی که دو چیزند، اشاره دارد.

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿۱۸۷﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ
لَاتَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا
فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ

و (به یاد آور) زمانی که خداوند از کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) داده شد، پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان کنید و کتمانش نکنید، پس آنها آن (عهد) را پشت سر خویش انداختند و به بهای کمی مبادله کردند، پس چه بد معامله ای کردند.

نکته‌ها:

□ امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمودند: خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که آنچه درباره‌ی حضرت محمد صلی الله علیه و آله در تورات و انجیل آمده است برای مردم بگویند و کتمان نکنند. (۱)

□ اگر امروز میلیون‌ها مسیحی، یهودی و مجوسی در دنیا هست، همه به سبب سکوت نابجای دانشمندان آنهاست. به گفته‌ی صاحب تفسیر اطیب البیان، بیش از شصت مورد بشارت اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در عهدین آمده است، ولی دانشمندان اهل کتاب همه را رها کرده‌اند.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند برای هدایت مردم، از دانشمندان پیمان مخصوص گرفته است. ﴿اخذ الله ميثاق الذين اوتوا الكتاب لتبيننه للناس﴾
- ۲- بیان حقایق باید به نوعی باشد که چیزی برای مردم مخفی نماند. ﴿لتبيننه للناس ولا تكتمونه﴾
- ۳- وظیفه‌ی دانشمندان، تبیین کتاب آسمانی برای مردم است. ﴿لتبيننه للناس﴾

۱. بحار، ج ۹، ص ۱۹۲؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۸. (به نقل از تفسیر راهنما)

- ۴- انگیزه‌ی سکوت دانشمندان از بیان حق، رسیدن به مال و مقام و یا حفظ آن است. ﴿واشترُوا بهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾
- ۵- علم به تنهایی برای سعادت و نجات کافی نیست، بی‌اعتنایی به مال و مقام نیز لازم است. ﴿اوتوا الكتاب... اشترُوا بهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾
- ۶- هرچه در برابر کتمان آیات الهی گرفته شود اندک است. ﴿...اشترُوا بهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾
- ۷- عمل به دین و تعهدات الهی ارزش والا دارد. اگر به هر مقام و مالی برسیم، ولی آن را از دست بدهیم باختیم. ﴿ثَمَنًا قَلِيلًا بئس ما یشترون﴾

﴿۱۸۸﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ
يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

گمان مبر کسانی که به آنچه کرده‌اند، شادمانی می‌کنند و دوست دارند برای آنچه نکرده‌اند ستایش شوند، میندار که آنها از عذاب الهی رسته‌اند، (زیرا) برای آنها عذابی دردناک است.

نکته‌ها:

- مردم سه دسته‌اند:
 - ۱- گروهی که کار می‌کنند و انتظار پاداش یا تشکر از مردم ندارند. ﴿لانريد منكم جزاء ولا شكورا﴾^(۱)
 - ۲- گروهی که کار می‌کنند تا مردم بدانند و ستایش کنند. ﴿رئاء الناس﴾^(۲)
 - ۳- گروهی که کار نکرده، انتظار ستایش از مردم دارند. ﴿یحمدوا بما لم یفعلوا...﴾
- از مواردی که غیبت جایز است، در مورد کسی است که ادعای مقام یا تخصص یا مسئولیتی را می‌کند که صلاحیت آن را ندارد. ﴿یحیبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا﴾
- برای اینکه این تمایل نابجا - ستایش بدون عمل - کور شود، در اسلام هرگونه

۱. انسان، ۹.

۲. نساء، ۳۸.

تملّق و چاپلوسی منع شده است.

پیام‌ها:

- ۱- رذایل اخلاقی، همچون عُجب و غرور و انتظار تملّق از مردم، هلاکت قطعی را به دنبال دارد. ﴿یفرحون... یحیون... فلا تحسبهم بمفازة﴾
- ۲- قرآن، هرگونه تحلیل و تفسیر نابجا را نسبت به هر کس و هر موردی محکوم می‌کند. ^(۱) ﴿لا تحسبن... فلا تحسبهم﴾
- ۳- خداوند نه تنها برای رفتار، بلکه برای خواسته‌های خیر و شرّ انسان نیز حساب باز می‌کند. ^(۲) ﴿یحیون ان یحمدوا... لهم عذاب الیم﴾
- ۴- آنچه خطرش بیشتر است، توقّع حمد است، نه توقّع شکر و مدح. زیرا در حمد، نوعی ستایش آمیخته با پرستش نهفته است. ﴿یحیون ان یحمدوا﴾
- ۵- گنهکار ممکن است پشیمان شده، توبه کند و نجات یابد، ولی افراد مغرور، حتی در صدد توبه بر نمی‌آیند، لذا امیدی به نجات آنان نیست. ﴿ولا تحسبهم بمفازة من العذاب﴾
- ۶- کسانی که در دنیا گرفتار اوهام خودپرستی و اسیر زندان «منیت» هستند، در قیامت نیز اسیر و گرفتار عذاب الهی اند. ﴿و لهم عذاب الیم﴾

﴿۱۸۹﴾ **وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ**

و حکومت آسمان‌ها و زمین برای خداست و خداوند بر هر کاری تواناست.

نکته‌ها:

- حکومت خداوند نسبت به جهان، حقیقی است نه اعتباری، چون وجود و بقای

۱. آیاتی که با کلمات «لا تحسبن»، «لا یحسبن»، «أفحسبتم» آغاز شده، بیانگر همین معناست.
 ۲. در جای دیگر نیز نسبت به کسانی که دوست دارند فحشا در جامعه رواج یابد وعده‌ی عذاب می‌دهد. ﴿یحیون ان تشیع الفاحشة... لهم عذاب الیم﴾ نور، ۱۹.

هرچیز تنها بدست اوست. برای ایجاد می فرماید: ﴿کن فیکون﴾^(۱) و برای محو می فرماید: ﴿ان یشأ یدهبکم و یأت بخلقٍ جدید﴾^(۲)

حکومت خداوند دائمی و همیشگی است، ولی حکومت‌های غیرالهی چند صباحی بیش نیست. ﴿تلك الایام نداولها بین الناس﴾^(۳) آری، این نوع حکومت حقیقی و دائمی تنها در انحصار خداوند است. ﴿وللهُ مُلکُ السموات والارض﴾

پیام‌ها:

- ۱- در قرآن هر جا سخن از حاکمیت الهی است، آسمان‌ها قبل از زمین مطرح شده و این نشانگر وسعت و عظمت آسمان‌هاست. ﴿ملك السموات والارض﴾
- ۲- بسیاری افراد که حکومت در دست آنهاست، ولی نمی‌توانند به خواسته‌های خود جامه‌ی تحقق ببوشانند، ولی خداوند هم حکومت دارد و هم بر هر کاری قادر است. ﴿ملك السموات... علی کل شیءٍ قدير﴾

﴿۱۹۰﴾ اِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَخْتِلَافِ الْاِیْلِ وَالنَّهَارِ لَآیٰتٍ

لأولی الألباب

همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، نشانه‌هایی (از علم، رحمت، قدرت، مالکیت، حاکمیت و تدبیر خداوند) برای خردمندان است.

نکته‌ها:

□ در تفاسیر فخررازی، قرطبی و مراغی آمده است: از عایشه پرسیدند: بهترین خاطره‌ای که از رسول خدا ﷺ به یاد داری چیست؟ گفت: تمام کارهای پیامبر شگفت‌انگیز بود، اما مهم‌تر از همه برای من، این بود که رسول خدا شبی در منزل من استراحت می‌کرد، هنوز آرام نگرفته بود که از جا برخاست، وضو گرفت و به

۱. بقره، ۱۱۷.

۲. فاطر، ۱۶.

۳. آل عمران، ۱۴۰.

نماز ایستاد و بقدری گریه کرد که جلو لباسش تر شد، بعد به سجده رفت و به اندازه‌ای گریه کرد که زمین تر شد. صبح که بلال آمد سبب این همه گریه را پرسید، فرمود: دیشب آیاتی از قرآن بر من نازل شده است. آنگاه آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره آل عمران را قرائت کرد و فرمود: وای برکسی که این آیات را بخواند و فکر نکند.

□ در تفسیر کبیر فخررازی و مجمع البیان از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره قبل از نماز شب این آیات را می‌خواند. و در احادیث سفارش شده است که ما نیز این آیات را بخوانیم.

□ در تفسیر نمونه از «نوف بگالی» صحابه‌ی خاص حضرت علی علیه السلام نقل شده است که شبی خدمت حضرت علی علیه السلام بودم. امام از بستر بلند شد و این آیات را خواند. سپس از من پرسید: خوابی یا بیدار؟ عرض کردم بیدارم. فرمود: خوشا به حال کسانی که آلودگی‌های زمین را پذیرا نگشتند و در آسمان‌ها سیر می‌کنند.

□ کلمه «الباب» جمع «لب» به معنای عقل خالص و دور از وهم و خیال است.

پیام‌ها:

- ۱- آفرینش جهان، هدفدار است. ﴿خلق السموات... لآیات لا ولی الا لباب﴾
- ۲- هستی‌شناسی، مقدمه‌ی خداشناسی است. ﴿خلق السموات... لآیات﴾
بر درختان سبز، در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار
- ۳- اختلاف ساعات شب و روز در طول سال، در نظر خردمندان تصادفی نیست.
﴿و اختلاف اللیل و النهار لآیات﴾
- ۴- قرآن، مردم را به تفکر در آفرینش ترغیب می‌کند. ﴿خلق... لآیات لا ولی الا لباب﴾
- ۵- هر که خردمندتر است باید نشانه‌های بیشتری را دریابد. ﴿لآیات لا ولی الا لباب﴾
- ۶- آفرینش، پر از راز و رمز، و ظرافت و دقت است که تنها خردمندان به درک آن راه دارند. ﴿لآیات لا ولی الا لباب﴾

﴿۱۹۱﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ
فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ
فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

(خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند (و از عمق جان می‌گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده‌ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار.

نکته‌ها:

□ به فرموده‌ی امام باقر علیه السلام، افراد سالم، نماز را ایستاده و افراد مریض، نشسته و افراد عاجز، به پهلو خوابیده، به جا آورند. ^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- نشانه‌ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. «اولوا الالباب الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم»
- ۲- اهل فکر، باید اهل ذکر باشند. «اولوا الالباب الذین یذکرون ... و یتفکرون»
- ۳- ایمان بر اساس فکر و اندیشه ارزشمند است. «یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً»
- ۴- ایمان و اعتراف با تمام وجود ارزش دارد. نباید به اعتراف زبانی اکتفا کرد. «یتفکرون... ربنا ما خلقت...»
- ۵- ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می‌گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند. «یذکرون... یتفکرون»
- ۶- آنچه سبب رشد و قرب است، ذکر و فکر دائمی است نه موسمی. «یذکرون» و

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۳. (به نقل از تفسیر راهنما)

﴿یتفکرون﴾ فعل مضارع اند که نشان استمرار است.

۷- شناختِ حسی طبیعت کافی نیست، تعقل و تفکر لازم است. ﴿یتفکرون فی خلق السموات والارض﴾

۸- کسی که در آفرینش آسمانها و زمین فکر کند، پی می برد که خالق هستی، پروردگار ما نیز هست. ﴿یتفکرون... ربنا﴾

۹- آفرینش بیهوده نیست، گرچه همه اسرار آن را درک نکنیم. ﴿ماخلقت هذا باطلا﴾

۱۰- اول تعقل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان، آنگاه دعا و مناجات. ﴿یتفکرون... ربنا... فقنا﴾

۱۱- اگر هستی بیهوده و باطل نیست، ما هم نباید بیهوده و باطل باشیم. ﴿ماخلقت هذا باطلا... فقنا عذاب النار﴾

۱۲- هستی هدفدار است، پس هر چه از هدف الهی دور شویم به دوزخ نزدیک می شویم. ﴿فقنا عذاب النار﴾

۱۳- قبل از دعا، خدا را ستایش کنیم. ﴿سبحانک فقنا...﴾

۱۴- ثمره ی عقل و خرد، ترس از قیامت است. ﴿اولوا الالباب... فقنا عذاب النار﴾

﴿۱۹۲﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ

مِنْ أَنْصَارٍ

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمال بدش) به دوزخ افکنی، پس بی شک او را

خوار و رسوا ساخته ای و برای ستمگران هیچ یاورانی نیست.

نکته ها:

□ از امام باقر علیه السلام درباره ی ﴿و ما للظالمین من انصار﴾ سؤال کردند، حضرت فرمودند:

یعنی آنها امامانی ندارند تا آنان را به نام بخوانند، (و از آنان شفاعت کنند).^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- آتش قیامت سخت است، اما نزد اولواالالباب که خواهان کرامت انسان هستند خواری و رسوایی قیامت، دردناک‌تر از آن است. ﴿من تدخل الثَّار فقد اخزيتهُ﴾
- ۲- ستمگران، از شفاعتِ دیگران محروم هستند. ﴿ما للظالمين من انصار﴾

﴿۱۹۳﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ
فَأْمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا
مَعَ الْأَبْرَارِ

پروردگارا! همانا ما دعوت منادی ایمان را شنیدیم که (می‌گفت): به
پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا! پس گناهان ما را
بیمرز و زشتی‌های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران.

نکته‌ها:

- شاید مراد از «ذنوب» گناهان کبیره باشد و مراد از «سیئات» گناهان صغیره، چنانکه در آیه‌ی شریفه ﴿ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم...﴾^(۱) «سیئات» در برابر «کبائر» آمده است. و ممکن است مراد از «سیئات» آثار گناه باشد.
- در برابر خردمندانی که دعوت ایمان را اجابت کرده و می‌گویند: «سَمِعْنَا»، افرادی هستند که نسبت به این دعوت بی‌اعتنایی می‌کنند و در قیامت با حسرت تمام می‌گویند: ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- خردمندان، آماده‌ی پذیرش حق هستند و در کنار پاسخگویی به ندای فطرت، به ندای انبیا، علما و شهدا پاسخ می‌دهند. ﴿إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ...﴾
- ۲- استغفار و اعتراف، نشانه‌ی عقل است. ﴿اولواالالباب... رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا﴾

۱. نساء، ۳۱.

۲. ملک، ۱۰.

۳- از آداب دعا که زمینه‌ی عفو الهی را فراهم می‌کند، توجه به ربوبیت الهی است.

﴿رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا﴾

۴- ایمان، زمینه‌ی دریافت مغفرت است. ﴿اٰمَنَّا، فَاعْفِرْ لَنَا﴾

۵- دیگران را در دعای خود شریک کنیم. ﴿فَاعْفِرْ لَنَا﴾

۶- پرده‌پوشی و عفو، از شئون ربوبیت و از شیوه‌های تربیت است. ﴿رَبَّنَا... كَفَّرَعْنَا﴾

۷- مر - انسان با اراده الهی است. ﴿تَوْفَّقْنَا﴾

۸- خردمندانِ دوران‌دیش، مر - با نیکان را آرزو می‌کنند و به فکر حسن عاقبت

هستند. ﴿تَوْفَّقْنَا مَعَ الْاِبْرَارِ﴾

۹- ابرار مقامی دارند که خردمندان آرزوی آن را می‌کنند. ﴿اُولُو الْاَلْبَابِ... تَوْفَّقْنَا مَعَ الْاِبْرَارِ﴾

﴿۱۹۴﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ

لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

(خردمندان می‌گویند: پروردگارا! آنچه را به واسطه‌ی پیامبرانت به ما وعده

داده‌ای، به ما مرحمت فرما و ما را در روز قیامت خوار مساز، که البته تو خلاف

وعده انجام نمی‌دهی.

نکته‌ها:

□ در این چند آیه، خداوند متعال مسیر رشد خردمندان و اولواالالباب را این گونه

ترسیم می‌کند: یاد خدا، فکر، رسیدن به حکمت، تسلیم انبیا شدن، استغفار،

خوب مردن، در انتظار الطاف الهی و نجات از رسوایی و خواری.

□ در آیات قبل ایمان خردمندان به خداوند و قیامت مطرح بود و در این آیه ایمان

به نبوت نیز مطرح شده است. ﴿ما وعدتنا علی رسلک﴾

□ تکرار «رَبَّنَا» در سخنان اولواالالباب، نشان شیفتگی آنان به ربوبیت الهی است.

□ اولواالالباب، هم عزت دنیا را می‌خواهند و هم عزت آخرت را. جمله‌ی «آتانا ما

وعدتنا علی رسلک» مربوط به دنیاست که خداوند وعده نصرت به اهل حق داده

است: ﴿أَنَا لَنَنْصُرَنَّ رُسُلَنَا﴾^(۱) و جمله‌ی «ولا تخزنا» مربوط به عزّت در آخرت است.

پیام‌ها:

- ۱- وفای به وعده، از شئون ربوبیت الهی است. ﴿ربنا اتنا ما وعدتنا﴾
- ۲- گرچه خداوند به وعده‌های خود وفا می‌کند، لکن ما نیز باید دعا کنیم. ﴿اتنا ما وعدتنا﴾
- ۳- خردمندان به همه‌ی انبیا و همه وعده‌های الهی ایمان دارند. ﴿ما وعدتنا علی رسلک﴾
- ۴- نهایت آرزوی خردمندان، رسیدن به الطاف الهی و نجات از دوزخ و رسوایی در قیامت است. ﴿اتنا ما وعدتنا، ولا تخزنا یوم القیمة﴾
- ۵- بیم و امید باید در کنار هم باشد. ﴿اتنا ما وعدتنا... ولا تخزنا﴾

﴿۱۹۵﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ
أَنْتَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ
أُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ
لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ
اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ

پس پروردگارشان دعای آنان را مستجاب کرد (و فرمود: که من عمل هیچ صاحب
عملی از شما را، خواه مرد یا زن، (گرچه) همه از یکدیگرید، تباه نمی‌کنم (و بی‌پاداش
نمی‌گذارم). پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌هایشان رانده شده و در راه من آزار
و اذیت دیده، جنگیده و کشته شدند، قطعاً من لغرض‌هایشان را می‌پوشانم و در
باغ‌هایی که نهرها از زیرشان جاری است، واردشان می‌کنم. (این) پاداشی است از
طرف خدا، و پاداش نیکو تنها نزد خداست.

پیام‌ها:

- ۱- دعای قلبی، استجاب قطعی دارد. دعایی که همراه با یاد دائمی خدا؛ «یذکرون» فکر؛ «یتفکرون» و ستایش خدا باشد، «سبحانک» قطعاً مستجاب می‌شود. «فاستجاب لهم ربهم»
- ۲- دعای اهل فکر و ذکر، سریعاً مستجاب می‌شود. «فاستجاب»
- ۳- استجاب دعا، جلوه‌ای از ربوبیت الهی است. «فاستجاب لهم ربهم»
- ۴- در جهان بینی الهی، هیچ عملی بدون پاداش نیست. «لا اُضیع عمل عامل»
- ۵- دعائی مستجاب می‌شود که همراه با عمل و تلاش دعا کننده باشد، گرچه خود دعا نیز نوعی عمل است. «فاستجاب لهم... لا اُضیع عمل عامل»
- ۶- عمل و عامل هر دو مورد توجهند. حُسن فعلی و حُسن فاعلی هر دو مد نظر هستند. «لا اُضیع عمل عامل»
- ۷- پاداش عمل تنها به مؤمنان داده می‌شود، چرا که اعمال کفار حبط می‌گردد. «عمل عامل منکم»
- ۸- در بینش الهی، مرد و زن در رسیدن به مقام والای انسانی برابر هستند. «من ذکر او اُنثی»
- ۹- جنس مرد برتر از زن نیست. «من ذکر او اُنثی بعضکم من بعض»
- ۱۰- در جامعه اسلامی، همه‌ی مسلمانان از یکدیگرند. «بعضکم من بعض»
- ۱۱- تا گناهان و عیوب محو نشود، کسی وارد بهشت نمی‌شود. «لا کفرن... لا دخلنهم»
- ۱۲- هجرت، جهاد، تبعید و متحمل آزار شدن در راه خدا؛ وسایل عفو خداوند هستند. «هاجروا، اخرجوا من ديارهم و... لا کفرن عنهم...»
- ۱۳- علاقه به وطن، یک حق پذیرفته شده قرآنی است و گرفتن این حق، ظلم است. «اخرجوا من ديارهم»
- ۱۴- در پیمودن راه خدا؛ هجرت، تبعید، شکنجه و جهاد و شهادت لازم است.

﴿فی سبیلی﴾

- ۱۵- گرچه شهادت بالاترین مرتبه است، ولی مقاومت در برابر آزار و اذیت‌های دشمن، نیاز به صبر بیشتری دارد، لذا کلمه‌ی ﴿فی سبیلی﴾ در کنار ﴿اوذوا﴾ آمده است. آری، جانبازان معلولین جبهه، بیش از شهدا باید صبر و تحمل کنند.
- ۱۶- به خاطر بعضی لغزشها، افراد را طرد نکنیم. در این آیه، خردمندانی که حتی از اولیای خدا و اهل بهشتند، سابقه‌ای از لغزش دارند، ولی خداوند آنها را می‌پوشاند. ﴿لَا کُفْرَنَ﴾
- ۱۷- عنایت و توجه مخصوص خداوند، برای خردمندان مؤمن است. ﴿لَا أُضِيعَ... لَا کُفْرَنَ... لَا دُخْلَنَ...﴾ همه‌ی این فعلها به صیغه متکلم وحده آمده است. به علاوه کلمه‌ی ﴿رَبِّهِمْ﴾ نشانه‌ی عنایت خاص خداوند به اولوالالباب است.
- ۱۸- در وعده‌های خداوند، ذره‌ای شک و تردید نکنید. تمام وعده‌ها با تأکید بیان شده است. ﴿أَنِّي... لَا کُفْرَنَ... لَا دُخْلَنَ﴾
- ۱۹- هر پاداشی ممکن است با تغییر مکان و زمان ارزش خود را از دست بدهد، اما پاداش‌های الهی مطابق فطرت و خلقت انسان است و هرگز از ارزش آن کاسته نمی‌شود. ﴿جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ...﴾
- ۲۰- نه‌های بهشت، هم از پای درختان آن جاری است؛ ﴿جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا﴾ و هم از زیر جایگاه مسکونی بهشتیان. ﴿مِنْ تَحْتِهِمْ﴾
- ۲۱- مغفرت و بهشت، ثوابی عمومی است، ولی آن ثوابی که در شأن لطف خدا و مؤمنان است، ثواب دیگری است که فقط نزد خداست و ما از آن خبر نداریم. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ﴾
- ۲۲- پاداش‌های الهی برای مردم به طور کامل قابل وصف نیست، همین اندازه بدانیم که از هر پاداشی بهتر است. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ﴾
- ۲۳- پاداش‌های الهی، همراه با انواع کرامت‌هاست. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ﴾

﴿۱۹۶﴾ لَا يَغْرَنُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

رفت و آمد کفار در شهرها ترا فریب ندهد.

﴿۱۹۷﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا أُوتِيَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

(بهره‌ی آنها از این رفت و آمدها) متاع ناچیزی است، سپس جایگاه ابدی آنان

جهنم است که بد جایگاهی است.

نکته‌ها:

- مشرکان مکه و یهودیان مدینه به خاطر مسافرت‌های تجارتنی، سر و سامان داشتند، ولی مسلمانان به خاطر هجرت به مدینه و رها کردن مال و دارایی و زندگی خود در مکه، و همچنین محاصره‌ی اقتصادی، در فشار و تنگنا بودند. این آیه مایه‌ی تسلی آنهاست.
- در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است: «ماخیر بخیر بعدها النار»^(۱) خیر و خوشی‌هایی که به دنبال آن آتش باشد، ارزشی ندارند. لذت‌های کوتاه مدت و عذاب ابدی برای کافران، ولی سختی‌های موقت و آرامش و آسایش ابدی از آن مؤمنان است.

پیام‌ها:

- ۱- انبیا نیز نیاز به هشدار دارند، تا در معرض تأثیر پذیری قرار نگیرند. ﴿لَا يَغْرَنُّكَ﴾
- ۲- اعزام هیأت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، تشکیل جلسات و مصاحبه‌ها از سوی دشمن، شما را فریب ندهد. ﴿لَا يَغْرَنُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾
- ۳- کامیابی‌های مادی هر اندازه باشد، محدود و ناچیز است. ﴿متاع قليل﴾
- ۴- کامیابی‌های کافران، نشانه‌ی حقانیت و محبوبیت آنان نیست. ﴿ماواهم جهنم﴾

﴿۱۹۸﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ

لکن برای کسانی که نسبت به پروردگارشان پروا داشته باشند، باغ‌هایی است که نهرها از زیر درختانش جاری است. آنان برای همیشه در آنجا هستند و این پذیرایی (اولیه) از جانب خداوند است، ولی آنچه در نزد خداست برای نیکان بهتر است.

نکته‌ها:

□ واژه‌ی «نُزُل» به نخستین چیزی که با آن از مهمان پذیرایی می‌کنند، اطلاق می‌شود. مانند شربت و میوه. گویا با این تعبیر می‌فرماید: در برابر رفت و آمدهای تجاری کفّار، شما از مدار تقوی و ایمان خارج نشوید، زیرا باغ‌های بهشت، مقدمه‌ی پذیرایی شما خواهد بود، نه اصل آن.

پیام‌ها:

- ۱- نعمت‌های دنیوی نسبت به نعمت‌های اخروی بی‌ارزش است. «متاع قلیل... ما عندالله خیر»
- ۲- تلاش و رفت و آمد برای کسب دنیا، با حفظ تقوی و توجه به منافع اخروی مانعی ندارد. «لا یغرتک تقلّب الذین کفروا فی البلاد... لکن الذین اتقوا»
- ۳- توجه به نعمت‌های بهشتِ جاودان، سبب گرایش به تقوی و فریفته نشدن به بهره‌های قلیل دنیا است. «اتقوا ربهم لهم جنات»
- ۴- مقام ابرار بالاتر از متّقین است. «اتقوا، لهم جنات، و ما عندالله خیر للابرار»

﴿۱۹۹﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَشَعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا
أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

و همانا بعضی از اهل کتاب، کسانی هستند که به خداوند و آنچه به شما نازل شده و آنچه به خودشان نازل شده، خاشعانه ایمان می‌آورند. آیات الهی را به بهای اندک معامله نمی‌کنند. آنها هستند که برایشان نزد پروردگارشان پاداش است. همانا خداوند سریع الحساب است.

نکته‌ها:

□ برخی مفسران معتقدند که این آیه درباره کسانی از اهل کتاب نازل شده است که به اسلام گرویدند. آنها عبارت بودند از چهل نفر از اهل نجران، سی و دو نفر از حبشه و هشت نفر از روم.^(۱) اما بعضی دیگر از مفسران گفته‌اند که آیه درباره‌ی نجاشی، پادشاه حبشه است که در سال نهم هجری در ماه رجب وفات یافت. وقتی رسول خدا ﷺ مطلع شد، به مردم فرمود: یکی از برادران شما در خارج از حجاز وفات یافته، حاضر شوید تا به پاس خدمات او بر وی نماز بخوانیم. پرسیدند: او کیست؟ فرمود: نجاشی. آنگاه مسلمانان به همراه رسول خدا ﷺ به قبرستان بقیع رفته بر او نماز گزارند.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- باید انصاف را مراعات کرد و از خوبان اهل کتاب ستایش نمود. ﴿وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ...﴾
- ۲- هر مکتبی، ریش و رویش دارد. اگر گروهی ایمان نمی‌آورند و حقایق را کتمان می‌کنند، در عوض گروهی با خشوع ایمان می‌آورند. ﴿أَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ﴾
- ۳- ایمانی ارزش دارد که خاشعانه، ﴿خاشعین﴾ و جامع باشد. ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ﴾ و پایدار بوده و با مادیات تغییر نیابد. ﴿لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾

۱. تفسیر مجمع‌البیان و کبیر فخررازی.

۲. تفسیر درّالمنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

۴- هر بهائی در برابر دین فروشی پرداخت شود، کم و ناچیز است. ﴿و لایشترن بایات الله ثمناً قليلاً﴾

﴿۲۰۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و (در برابر دشمنان نیز) پایدار باشید (و دیگران را به صبر دعوت کنید) و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید. شاید که رستگار شوید.

نکته‌ها:

- این آیه، صبر در برابر انواع حوادث و مصائب را توصیه می‌کند؛ در مرحله‌ی اوّل در برابر ناگواری‌های شخصی و هوسها صبر کنید. ﴿اصبروا﴾ در مرحله‌ی دوّم در برابر فشارهای کفّار، مقاومت بیشتر کنید. ﴿صابروا﴾ در مرحله‌ی سوّم در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحثات علمی و حفظ مرز دلها، از هجوم و سوسه‌ها بکوشید. ﴿رابطوا﴾
- کلمه‌ی «رابطوا» از ریشه‌ی «رباط» به معنای بستن چیزی در مکانی است. به کاروانسرا نیز به این دلیل رُباط می‌گویند که کاروان‌ها در آنجا اتراق کرده و مال‌التجاره و اسب و شترها را در آنجا نگه می‌دارند. همچنین به قلبی که محکم و بسته به لطف خدا باشد، رُباط گفته می‌شود. کلمات «ارتباط»، «مربوط» و «رباط» ریشه‌ی واحدی دارند.
- در روایات، «رابطوا» به معنای انتظار اقامه‌ی نماز آمده است.^(۱) گویا مسلمانان دل و جان خود را با پیوندی که در نماز ایجاد می‌کنند، محکم می‌سازند.

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

□ امام صادق علیه السلام فرمود:

«اصبروا علی الفرائض» در برابر واجبات صبر کنید.

«صابروا علی المصائب» در برابر مشکلات صبر کنید.

«ورابطوا علی الائمة» از پیشوایان خود دفاع کنید.^(۱)

□ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اصبروا علی الصلوات الخمس وصابروا علی قتال عدوكم

بالسيف و رابطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون» بر نمازهای شبانه روزی پایداری کنید و در

جهاد با دشمن، فعال و در راه خدا با یکدیگر هماهنگ باشید تا رستگار شوید.^(۲)

پیام‌ها:

۱- در سایه‌ی ایمان، به کمالات می‌رسید. «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا...»

۲- تا در مشکلات فردی صابر نباشید، نمی‌توانید در برابر دشمنان دین مقاومت

کنید. ابتدا «اصبروا» سپس «صابروا»

۳- از دیگران عقب نمانید، اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند

و مال خرج می‌کنند، شما نیز در راه خدا با جان و مال پایداری کنید. «صابروا»

۴- مسلمانان باید مشکلات یکدیگر را تحمل کنند، و یکدیگر را به صبر سفارش

کنند. «صابروا»

۵- اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم، خدا و پیامبران. «رابطوا»

۶- صبر و مصابره و مرابطه باید جهت‌دار باشد و در مسیر تقوی و رضای الهی

قرار گیرد، وگرنه کفار هم این امور را دارند. «صابروا و رابطوا و اتقوا الله»

۷- اسلام دین جامعی است، صبر و تقوی در کنار توجه به مرزها بیان شده است.

«اصبروا... رابطوا»

۸- تقوی، مرتبه‌ای بالاتر از ایمان است. «امنوا... و اتقوا»

۹- صبر، زمینه‌ی رسیدن به سعادت و پیروزی است. «لعلکم تفلحون»

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۱. ۲. دزالمشور، ج ۲، ص ۴۱۸.

«والحمد لله ربّ العالمين»

